



کارگران جهان متحده شود!

کمپنی

ارگان اتحاد فدائیان گمونیت شماره ۴ شهریور ۱۳۷۶

اُندر آین ره صد هزار الیس آدم روی است...!

حدود یکصد و سی سال قبل آخوندز اده بنیانگذار نقد ایپی - اجتماعی در تاریخ ایران، در برخورد به مماش اتحابان و کسانیکه چشم به تحولات در بالادوخته و اکثریت محروم ملت را به فراموشی می‌سپرند، روشنفکران و علمایی که بجای آگاه نمودن مردم به حقوقشان، آماده نمودن آنها برای حاکمیت بر سرنوشتستان به توهم آنان نسبت به ظالمین و قدر تمدنان دامن می‌زنند، نوشته: "...به جهت رفع ظلم از جهان اصلا به ظالم نباید پرداخت بلکه به مظلوم باید گفت ای خر، تو که در قوت و مکنت از ظالم بمراتب بیشتری، تو چرا متحمل ظلم می‌شوی؟ از خواب غفلت بیدار شو، گور پدر ظالم را بسوز!"*

بقیه در صفحه ۲

دراین شماره:

کارگری

درباره سلطان
کارگران ایران در زبان
همایپ کارگران BMW از مبارزات
کارگران نفت ایران

نقد و بورسی

کسری شکاف سلطان
آموزه زده
بر عرض کوچکی ملک زاده

دیدگاهها

درباره نتو اخیر افسان
المسنونه و دادخواهی در سلطان
ایام احتمال از جان بی خدا

گزارشات

درباره سلطان
کوچک
پس از سفر نایکرده به زمین
درباره امور احمد

مایل احتسابی

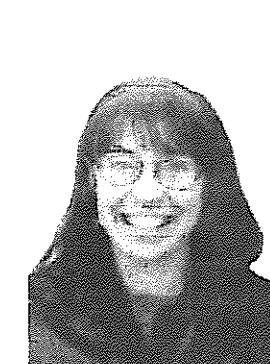
درباره امور احمد
ط

معرفی کتاب

پاپی نویسنده سویم
اطلاعیه ها و ایندیشه ها

آکیوونتی اینترنک

نچه های زیست



در شماره گذشته نشریه، طی مقاله‌ای مسأله بیکاری بویژه تشکل و خواسته‌های بیکاران را به بحث عمومی گذاشتیم. تا کنون نظرات مختلفی از کارگران بیکار و یا شاغل از ملیت‌های گوناگون دریافت نموده‌ایم که بتدريج به چاپ خواهند رسید. در این شماره نظر رفیق شارلوت از سوئد را ملاحظه می‌کنید. اميدواریم با پیگیری این مباحثات و برگزاری جلسات گفتگو پیرامون مشکل بیکاری و تشکل و خواسته‌های بیکاران به نتایج مثبتی دست یابیم!

آیا شرایط سازماندهی بیکاران وجود دارد؟

پاسخ به این سوال هم مثبت است و هم منفي، چرا که از یکسو انبوه فزانیده توده بیکار به تشکیلاتی احتیاج دارد که از منافع نفاع کند و از طرف دیگر طی سالهای اخیر بارها و بارها سازمانهایی برای بیکاران در گوش و کنار سوئد بوجود آمده‌اند، بی‌آنکه این تشکیلاتی فرآگیر و ادامه‌کار باشد. نمایندگان مجلس بارها با نامه‌های اعتراضی بیکاران بمبان شده‌اند. سی‌هزار کارگر ساختمانی بیکار جلوی مجلس تظاهرات کردند. اما علیرغم اینکه چنین جمعیت چشمگیری - به نسبت سوئد - در صفت تظاهرات شرکت داشتند، این اعتراضات به جایی نرسید و شرایط بازار کار را تغییر نداد.

بقیه در صفحه ۱۰

کار، مسکن، آزادی، جمهوری شورایی

بقیه از صفحه اول:

اندراین ره صد هزار ایلیس آدمروی هست

و چپ دادند تا با تعریف و تمجید از خط امام ضد امیریالیست، عدالتخواه و حافظ منافع کوچنگیان قربانی شدن نست آوردهای قیام از جمله آزادیهای بست آمده را زیر گرد و خاکی از تبلیغات عوام‌گریانه و مباحثات "تئوریک" پیرامون جناح‌ندهای درون حاکمیت، اختلاف این آخوند با آن آیت‌الله... بیو شاند. چنین بود که یکبار همه و از جمله خود عوام‌گریان خویشتن را با غول بی شاخ و نم استبداد و نیکتاتوری مواجه یافتند.

احزاب و سازمانها روز بروز را دیگر الترمی شد، خمینی در پاریس با تجلیل از ملی‌گرها و دادن نست بیعت با آنان از یکسو و با طرح شعار هایی نظری استقلال، آزادی و مبارزه با آمریکا و حمایت از محرومین، از جمله قول تأسیس مجلس مؤسسان و سپردن امور بست خود مردم، بخش مهمی از ایوب‌یسیون معروف به لیبرال نهضت آزادی، جبهه ملی، حزب ملت ایران...) را به سمت خود جلب کرد که عملاً بخشی از بورژوا ایلیستی، طبقات متوسط

بین ترتیب آخوندزاده از روشنفکران و رجال سیاسی زمان خود می‌خواهد تا بجای کنکاش در لای درز اختلافات حاکمان، بجای متوجه کردن مردم به امکان اصلاحات از درون قدرت، "ملت را از منشاء آزادیت و حقوق انسانیت خبردار کنند". و آنها را به انقلاب علیه نظام مادی و معنوی موجود برانگیزند...

اکنون حدود ۱۳۰ سال از نگارش سطور فوق سپری می‌شود. مردم زحم‌تکش ایران در طی این صد و سی سال همواره زیر ستم ستوران استبداد و دیکتاتوری، فقر و دربرداشت برده و بارها و بارها پیاخته‌اند تا ببساطه ظلم و ستم و استبداد و استثمار را برکنند. اما حکومتگران درست در لحظاتی که احسان کرند که نضادها در پایین به نقطه انفجار نزدیک شده و مردم حاضر به ادامه زندگی بشیوه ساقی نیستند و حقربی بساط ظلم و ستم و استبداد آنها بر چیده خواهد شد و یا جنبش به راه را دیگالتری هدایت خواهد شد که مهار آن برای زعمای قوم غیرممکن خواهد بود، نست بکار شده و با ترساندن بخشی از ایوب‌یسیون یا به انفعال کشیدن و خریدن تعدادی بیگر، آنها را به خدمت خود در آورده و با طرح شعارهایی عام و نامشخص و عده و عیدهای بوج و یا اصطلاحاتی جزئی مردم را فریب داده‌اند و سالهای متتمادی بر گرده آنان سوار شده‌اند.

از جریان باصطلاح "نهضت تباکو" تا انقلاب مشروطیت و خلع سلاح ستارخان و قامع و قمع آزادیخواهان، از توطئه روی کار آمدن رضاخان، از به تخت نشستن محمد رضا شاه دوران پرتلطم منجر به ملی شدن صنعت نفت، از اصلاحات ارضی شاهانه تا قیام بهمن ۵۷ و روی کار آمدن جمهوری اسلامی در ایران، از روز استقرار این خط سیاه سازشکاری و "مصلحت اندیشی" ضربات جبران‌نپذیری را بر بیکر جنبش آزادیخواهانه و عدالت‌جویانه مردم وارد ساخته است که تهیه نکر نمونه‌هایی از آن متنوع هفتادمن کاغذ می‌شود. اما اشاره مختصر به سه واقعه بسیار مهم و شاخص در طول دو دهه اخیر می‌تواند حضور ذهن خوانشده را نسبت به نمونه‌های تاریخی بیشتر و آمادگی جهت درک تحولات اخیر آستانه گرداند.

در سال ۵۷ درست زمانیکه جنبش توده‌ای اوج گرفته و مهار نپذیر شده بود و با گسترش فعالیت

"به جهت رفع ظلم از جهان به ظالم نباید پرداخت بلکه به مظلوم باید گفت: ای خر، تو که در قوت و مکنت از ظالم بمراتب بیشتری، تو چرا متحمل ظلم می‌شوی؟ از خواب غفلت بیدار شو، گور پدر ظالم را بسوزا!"

آخوندزاده

از آن مقطع جنگ، شدید سرکوب، بیکاری، گرانی، فقدان ابتدائی ترین حقوق و آزادیهای سیاسی سرنوشت اکثریت مردم را رقم زده درحالیکه اقیلت جامعه بطور واقعی نه تنها از آزادیهای کامل برخوردار بوده بلکه در زیر سایه سرنیزه با شدید استثمار، چیاول مسترنج مردم از یکسو و از طریق احتکار، اختلاس، زدوبند با مقامات دولتی در سوی بیگر میلاردها بر ثروت خسود افزوده است. معاشات طبلان بی جهت برای مخدوش کردن مرز طبقات در ایران می‌خواهد همه مردم ایران را یک کاسه کرده اختلاف طبقاتی رانفی و مشارکت یکدست دولت، مجموعه سرمایه‌داری و طبقات میلاردر جامعه را در بوجود آوردن وضع موجود نفی کند.

باری با مرگ خمینی بیش از هشت سال همین خط سیاه سازشکاری با علم کردن "رفشنجانی پرآغازتیست"، "امیر کبیر دوران"، "اصلاح طلب مخالف بنیانگر ای و ولایت فقیه"، امکان استحاله رژیم را در مطلع کردند. اما این ترهات که با وضعیت عینی جامعه و حاکمیت جمهوری اسلامی و اقیمت‌های جاری همخوانی نداشت، خیلی زود با تشید مبارزه در داخل و رسوانی رژیم در سطح بین‌المللی کاری خودشان را از نست دادند. و درست در شرایطی که توهمنات ریخته می‌شد و شدید اختلافات طبقاتی ادامه سرکوب، اشاره مختلف جامعه از جمله زحم‌تکشان محلات، داشجویان، کارگران و روشنفکران جامعه را به تحرک و ادراست

جامعه و خانمان بور و کراسی را به همراه داشتند. سپس با طرح بیشتر شعارهای عموم‌خلقی جناح چپ و انقلابی جنبش را خلخله سلاح و در مقاطعه حساسی به نسبابه ریوی از خود کشاند. جنبشی که بعد از سالها امکان پیوند ارگانیک با طبقه کارگر و توده‌های زحم‌تکش را بست آورده بود، با تمایل به سازشکاری و مصلحت‌اندیشی رهبرانش، هرگونه استقلال برنامه و عمل خود را از نست داد و از خواسته‌ای آنان بازماند، و بعدها کسب انحصاری قدرت، فراخوانی مجلس خبرگان بجای مجلس موسسان و آغاز سرکوب جنبش توده‌ای مانع از آن شدند که این رهبران مصلحت‌اندیش و "خبرگان" سیاسی جامعه به توهم‌پردازی در اطراف حاکمیت ارجاع، به بهانه "همراه داشتن رأی میلیونی تودها"، "ضادامیریالیست بودن" و "سازنده شدن تدریجی نگمه‌های روحانیت" ... ادامه ندهند و در تثبیت موقعیت رژیم، فریب‌توده‌های مردم و امیدوار کردن آنها به اصلاحات از درون حکومت، نقش بازی نکنند.

بالآخره وقتی علی‌رغم همه این توهمن پر اکنیه‌ها و فریبها ماهیت واقعی مجموعه رژیم در رابطه با خواسته‌های مردم آشکار شد، جنبش‌های کارگری و توده‌ای اینجا و آنجا شروع به مشکلتر کردن خود در قبال حاکمیت جدید نمونند، در واقعه دوم خردان، قدرتمندان جدید با تسخیر سفارت آمریکا نستاویز نیگری بست سازشکاران و مصلحت‌اندیشان راست

نظری ماجرای فرج سرکوهی) به رسوایی بیشتر انجامیده بود و در داخل نیز با اعتراضات و اعتراضات موافق بود، راتقیب داد. مهرهای نظری هاشمی رفسنجانی، ولایتی، فلاجیان و... در پشت صحنه قرار گرفت و خاتمی با چهره‌ای جدید، "مردپسند" آزادیخواه با کابینه‌ای که از وجهه‌ای تازه و پشتیانی ۲۰ میلیون "رأی مردم" برخوردار است به صحنه گام نهاد.

انعکاس نتایج انتخابات که بدون شک و تربید منافع طبقات اجتماعی معینی را بازتاب می‌دهد شرایطی را بوجود آورده که بی شباخت به مقاطعی - که بیشتر از آن یاد کریم - نیست. در حالیکه هم غرب و هم مجموعه نظام جمهوری اسلامی (با وجود اختلافات و جناح‌های درونی) از نتایج انتخابات خوشحالند، بخشی از ایویزیون که بقول معروف گویا هم از خرمای کرمان مانده و هم از گذنم خراسان وضعیت مضحكی پیدا کردند.

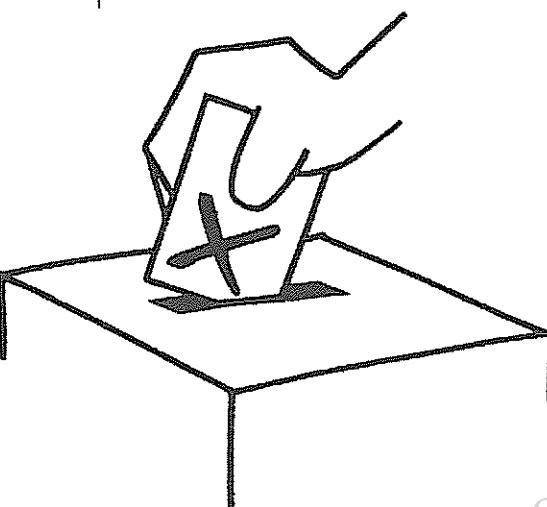
ادامه دارد

* (بنی و دولتمر عصر مشروطیت، باقی‌منی)

بیش از ۲۰ میلیون "شرکت کردن آقای خاتمی با ۲۰ میلیون" رأی مردم به ریاست جمهوری اسلامی ایران انتخاب شده است.

نتیجه این انتخابات هرچه که بود در قدم نخست موقعیت قبل از انتخابات جمهوری اسلامی بعنوان رژیمی تزویریستی و فاقه مشروطیت مردمی ای را که سران آن از جمله ریسین جمهوری بعنوان

بود و علیرغم سرکوبگریهای رژیم بویژه حرکت پیکارچه کارگران صنایع نفت و حمایت بین‌المللی از مبارزات آنها از یکسو و رسوایی جمهوری اسلامی در ماجرای میکونوس و فرج سرکوهی شرایط را هم در داخل و هم در سطح جهان برای حکومتگران ایران تنگ و تنگتر کرده بود و همین وضعیت زمینه اتحادهای اصولی و اقعیانه در میان ایویزیون متفرق در داخل و خارج را فراهم نمود و رژیم حقیقتاً در بنیست حل مشکلات داخلی و خارجی درمانده بود، دور هفتم انتخابات ریاست جمهوری این امکان و فرجه را برای رهبران جمهوری اسلامی فراهم کرد تا بر زمینه انتلاف طبقات دارا، سورژواری و اقلیتل مرفه خردپروری، تجار، تکنوکراتها و... بحران را مهار و اوضاع را برای ایویزیون از آنجه که بود پیچیده‌تر نماید. سران جمهوری اسلامی در این ماجرا بدون کمترین امتیاز و عدول از قولین جاری جمهوری اسلامی و سلسله مراتب و لایت فیله، از میان ۲۳۶ کاندید مقید به نظام جمهوری اسلامی و ولايت فقهی چهار نفر را مستحب کرند تا مردم از میان آنها یکی را انتخاب کنند. صحنه طوری آرایش شد که همه قبول کرند که انتخابات در فضایی آرام، آزاد و بدون تقلب "سرساعت معین آغاز و در ساعت تعیین شده بپایان رسیده و در این انتخابات که



ترویجیست شناختشده بوند و از جمله در دادگاه میکونوس محکوم و حکم تعقیب بین‌المللی برخی از آنها صادر شده بود و با تمام تلاش رهبران جمهوری اسلامی برای زدودن این اکراهای تنگ

**کار کمونیستی برای
انتشار خود به
حمایت فکری و مالی
نیروهای جنبش
کمونیستی و کارکری
ایران متکی است. با
کمکهای خود ما را
در کسترش دامنه
فعالیتها یمان یاری
رسانید.**

شمای از وضعیت کارگران ایرانی در رژیم

وضعیت بد زندان مورد تهاجم و ضرب و شتم پلیس زندان واقع شد و در نتیجه ضربات پلیس و پرتاب وی بر روی گف بتونی سلول به خونریزی مغزی نچار شد و جان خودش را از دست داد. پلیس با ادعای لینکه "او خودش سرش را بر کف سلول کوبیده و بزنگی خود پایان داده است" تاکنون از هرگونه تعقیب قانونی شانه خالی کرده است.جادار لحزاب و سازمانهای ایرانی با جلب حمایت و کمک لحزاب و سازمانها و اتحادیه‌های کارگری جهان خواستار رسیدگی به وضعیت کارگران ایرانی در رژیم شوند. مابه سهم خود در این راه کوشش خواهیم کرد.

وضعیت کارگران ایرانی مقیم رژیم که از جهنم جمهوری اسلامی گریخته‌اند و بمنظور یافتن کار دسته‌سته عازم رژیم شده و می‌شوند، هر روز رو به وحامت بیشتری می‌گذارند. بیش از ۱۵ ساعت کار طاقت‌فرسای روزانه، زنگی در دخمه‌ها و محل‌های فاقه امکانات اولیه زیستی و خطر تهاجم پلیس، راسیستها و فاشیستهای رژیمی در شرطی عدم‌پروردگاری از حقوق سنديکاتی و لبتدائی ترین حقوق و آزادیهای قانونی در رژیم، زندگی طاقت فرسایی را بدل‌های تحمیل نموده است.

اخیراً کارگر سی‌ساله‌ای بنام میر حسین موسوی ابرکوه که بیش از ۵ سال در رژیم اقامت داشته و در اردیبهشت ماه امسال به تهیام اقامت غیرقانونی نستگیر و در جریان اعتراض به

گسترش شکاف طبقاتی

در پشت این تبلیغات و بوق و کرناها، منافع اقتصادی بخشهایی نهفته است که در سایه این برنامه‌های اقتصادی از سودهای کلان برخوردار شده‌اند و سرمایه‌های هنگفتی را به جیب زده‌اند. برنامه «سازندگی» رفستجانی - یا خصوصی‌سازی بخشهای مختلف تولیدی کشور - امکان انباست سرمایه‌را برای محدود سرمایه‌دارانی که به حاکمیت اسلامی اعتماد کرده و سرمایه‌هایشان را در زمینه‌های تولیدی در داخل کشور به کار انداخته‌اند، فراهم آورده است. مزید بر اینها، بی‌توجهی رژیم به مسئله بیکاری، عدم توجه به سطح زندگی مردم و رفاه اقتصادی اکثریت وسیع مردم باعث شده است که نرخ رشد سطح دستمزدها - علی‌رغم رشد اقتصادی ادعایی تکنونکرهایها - نسبت به نرخ رشد تورم از میزان بسیار پایینی برخوردار باشد. همه اینها امکانات نسبتاً گستردگی را برای تشدید هرچه بیشتر فقر انجامیده است.

در طی اجرای همین برنامه‌های پنج‌ساله اقتدار وسیعی از طبقه کارگر بارها و بارها به خیابانها ریختند و با اعتراض و خروش خود به مسوّلان

در مطبوعات سراسر جهان و ازجمله مطبوعات بخشی از اپوزیسیون ایران رویداد دوم خرداد به عنوان «نقطه عطفی در تاریخ جمهوری اسلامی» قلمداد شد. «انقلاب بدون خونریزی»، «آیت‌الله گورباچف» و... اسم رمزهایی بودند که از موج جدید استحاله‌طلبی بخشهایی از اپوزیسیون حکایت می‌کردند.

نگاهی به رشد شکاف طبقاتی و روند اقتصادی‌ای که این ۲۰ میلیون رأی به دنبال خواهد داشت، می‌تواند راهی باشد که بجای افتادن در منجلاب پوپولیسم و ارائه نظرات عموم‌خلقی بتوان منافع مشخص طبقه کارگر در این دوره را باز شناخت و برای دفاع از آنها کارزار سیاسی و مبارزاتی بوجود آورد.

در نوشته زیر پیش از آنکه هدف پلمیک با استحاله‌چیان و استحاله‌طلبان و یا نقد برنامه‌های اقتصادی رفسنجانی باشد، تلاش می‌شود تا چارچوبه عمومی‌ای که خواستهای مشخص طبقه کارگر می‌توانند بر مبنای آن مطرح شوند، در شرایط جدید بوجود آمده پس از انتخابات بیان شود.

پیش‌زمیه‌های اقتصادی

در پی اجرای دو برنامه پنج‌ساله رفسنجانی و پایان دوره ریاست جمهوری وی، جناههای تکنونکرات و بوروکرات درون حاکمیت با بوق و کرناهی فراوان به قدردانی از رفسنجانی پرداختند و به وی القای از قبل «سردار سازندگی» و عناوینی مانند دکترای افتخاری رشته اقتصاد دانشگاه تهران را اهدا کردند.

این همه در حالیست که برناههای اقتصادی دولت رفسنجانی بارها از طرف استادان همین دانشگاه (ازجمله دکتر رزا قسی) و دیگر گرفته است. از جنبه اقتصادی در این مدت غیرغیرم صرف میلیاردها دلار و دهها میلیارد ریال فراتر از آنچه که در برنامه مصوب و قانونی کشور پیش‌بینی شده بود، ... / از سال ۱۳۵۹ به بعد رشد تولید ناخالص ملی داشتند، تکیه بر تولیدات ارزی، کشور مرتب روند نزولی داشته است. اگر این سیاستها را قابل دفاع می‌دانید چرا نمی‌آید در دانشگاه از آنها دفاع کنید و اگر آنان را قابل دفاع نمی‌دانید چرا اجزا می‌کنند

فرشاد مؤمن، اردیبهشت ۱۳۷۳، سخنرانی «انسان و توسعه» در دانشکده علوم اقتصادی دانشگاه علامه طباطبائی،

طرحهای یلندربروازانه عمرانی رفسنجانی - که تا کنون میلیاردها دلار هزینه در برداشته و هنوز هم هیچیک از آنها به پایان نرسیده است - مقام تاریخی وی برای سازندگی کشور را با امیرکبیر مقایسه می‌کنند.

در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی، مقالی به منشور جهانی حقوق بشر اضافه شد که امنیت اجتماعی و اقتصادی افراد جامعه را تأمین کند، خلاصه بخشی از این مفاد در زیر آورده می‌شود پرچی از آنها - از جمله حق کار همگانی - حتی در قانون اساسی جمهوری اسلامی هم گنجانده شده است. سوال این است که آیا خاتمه و رفرمیست های استحالت طلب قادر به تضمین این مفاد مندرج در حقوق بشر هم هستند یا نه؟

۲۳ ماده

۱. حق کار، حق انتخاب آزادانه شغل، حق برخورداری از شرایط عادلانه کار و مصوبت از بیکاری برای همه.
۲. حق همگانی برخورداری از مزد برابر برای کار برایen.
۳. هرقد شائل مستحق دریافت مزد عادلانه و اوضاعیتی است که زندگی ای انسانی را برای وی و خانواده‌اش تأمین کند.
۴. حق همگانی تشکیل و عضویت در سازمانهای صنفی‌ای که از حقوق هر فرد دفاع می‌کند.

۲۴ ماده

۱. حق تقریب و استراحت همگانی شامل محدودیت منطقی ساعت کار و تعطیلات منظم با حقوق کامل.

۲۵ ماده

۱. همه افراد مستحق برخورداری از سطح زندگی ای هستند که بتواند نیازهای زندگی فردی آنها و خانوادگانشان را تأمین نماید. این نیازها شامل خوارک، بوشاک، مسکن، بوداشرت و تأمین اجتماعی می‌باشد. بعلاوه باید امنیت اقتصادی افراد در صورت بروز بیکاری، بیماری، از کار اتفاق‌گئی، فوت همسر سالخوردنگی و یا سایر حوادث غیرواردی که باعث از دست دادن امکان امرار معاش می‌شوند، تأمین شود.

۲۰

می‌کنند، با جدیت هرچه بیشتر منافع و خواسته‌های مشخص طبقه کارگر را از منافع و خواسته‌های خرده‌بورژوازی بازشناسند و مبارزه مشخص طبقه کارگر را برای دستیابی به این خواسته‌ها سازمان دهند. واقعه دوم خرداد بار دیگر ضایعات بی‌عملی و خرده‌کاری چپ ایران را به اثبات رساند باشد تا از شکست سیاست

برگ برنده خاتمی در انتخابات - و پس از آن - تأکید بر رعایت حقوق بشر بوده است. در دوران تبلیغات انتخاباتی خاتمی توانست با رو کردن این برگ آرای بخشای وسیعی از توده‌های مردم که از نبود حداقل آزادی‌ها و حقوق مطرح شده در منشور جهانی حقوق بشر رنج می‌برند، را به خود جلب کند. پس از پایان انتخابات و در دوران معرفی کابینه وزرای خاتمی هم باز همین تأکید بر رعایت حقوق بشر توانست بخشایی از اپوزیسیون رفرمیست را که خواسته‌های خود را تا حد رعایت آزادی‌های سیاسی مندرجه در منشور حقوق بشر پایین می‌آورند، در این توهم فرو برد که می‌توان در چارچوب جمهوری اسلامی راه حلی برای برون‌رفت از بحران سیاسی اقتصادی جامعه ایران پیدا کرد. در این میان سازشی ضمنی بین نیروهای رفرمیست بورژوا و سران

«تازه‌منتخب» جمهوری اسلامی ... کمونیستها همه‌جا از هر جنبش انقلابی علیه نظام صورت گرفته است که منشور اجتماعی و سیاسی موجود پشتیبانی می‌کنند. جهانی حقوق بشر را صرفاً در چارچوب آزادی‌های فرهنگی - آنها در تمام این جنبش‌ها مسئله مریبوط به مالکیت را، تا هر حدی که رشد یافته باشد، بعنوان مسئله اساسی جنبش تلقی می‌کنند. مانیفست کمونیست

اصولی چپ در قبال انتخابات درس گرفته باشیم: که دوران بحث‌های انتزاعی دو مورد اینکه مثلاً آیا شعار «کار، مسکن، آزادی» بهتر است یا «کار، نان، مسکن آزادی» به سر آمده است. چپ اگر مایل است در تقویت رادیکال جنبش کارگری نقشی داشته باشد، قبل از هر چیز باید بتواند خصلت رادیکال خود را حفظ کند و بتواند مسائل را از دید طبقه کارگر ارزیابی کند.

در این راستا سازماندهی مبارزه بسا سیاست خصوصی‌سازی تکنوقراتها از جمله وظایف عاجلی است که

استفاده از تأمینات اجتماعی در طی دوره بیکاری از جمله حقوقی هستند که در منشور جهانی حقوق بشر گنجانده شده‌اند. روش است که نه خاتمی و نه تکنوقراتها طرفدار وی قادر به تضمین این مفاد در برنامه‌های اقتصادی خود نیستند.

خاتمی در تبلیغات انتخاباتی خود در مورد رسیدگی به وضع جوانان سخنان بسیاری بر زیان راند. آنچنانکه اخبار امروز نشان می‌دهد، تصمیماتی هم در باره گسایش امکانات تفریحی قرار است گرفته شود. اما آیا به راستی مشکل جوانان جامعه ایران با ایجاد تفریگاه و ورزشگاه و یا حتی دیسکو حل می‌شود؟ آیا می‌توان مشکلات جامعه‌ای را که اکثریت آن را جوانان تشکیل می‌دهند و هر ساله میلیونها نفر به صفت فروشنده‌گان نیروی کار آن اضافه می‌شود، با صدور اجازه رقص و یا تسهیل امکان معاشرت دختران با پسران حل کرد؟

گیریم خاتمی موفق شد به وعده‌های خود وفا کند و امکانات تفریحی و رفاهی برای جوانان ایجاد شد. آیا جوانان ساکن کوی طلاب مشهد و با اکبرآباد و موسی آباد جنوب تهران هم امکان استفاده از این اماکن تفریحی را خواهند داشت؟

رویداد دوم خرداد این امکان را به خرده‌بورژوازی مرفه و نیمه‌مرفه شهری داد تا بتواند خواسته‌هایش را آشکارا برای سران رژیم دیکته کند. توده‌های کارگر هم از این خواسته‌ها به تمامی دفاع کردند. اما واقعیت مسلم این است که در ادامه سیاست تعديل اقتصادی - مانیفست تکنوقراتها و بوروکراتها - شکاف‌های طبقاتی در ایران عمیق‌تر خواهد شد.

در شرایط بوجود آمده لازم است نیرهایی که خود را طرفدار طبقه کارگر می‌دانند و خاستگاه طبقاتی و تکیه‌گاه اجتماعی خود را این طبقه معرفی

گزارشی از آذربایجان

آذربایجان طی قرون متعدد یکی از کانونهای تصنیف خاورزمین محسوب می‌شده است. گذشته از رشتہ‌های نظری پژوهشی، اخترشناسی، ریاضیات و ادبیات، آذربایجان بوده از قرن نوازده به بعد همچون مرکز آزادیخواهی، تجلد طلبی و مبارزه با فسادیسم، حکومت‌های مطلقه پاشاهی و ارتقای مذهبی در شرق شهرت یافته است. مهستی، عمال‌اللین نسیمی، شیروانی، گنجوی، فضولی، محمد شبستری، آخوندی، اوزسیر حاجی بکف، صابری، جلیل محلقانی زاده، سلیمان اوغلو، دهها شاعر، نویسنده، موسیقیدان و سیاستمدار مترقبی و انقلابی نیز را می‌توان نام برد که اغلب بخاطر تجلیخواهی، مبارزه علیه خانه‌ها و دربار و مذهب، نوشه‌هایشان منسوع و خود تحصیلی و آزار قرار گرفتند یا نظری عمال‌اللین نسیمی توسط حکام وقت پوست از کله و بدنشان کنده شد. در اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیست آثار آغونتف و طنز‌های گزنه روزنامه ملک‌اللین منتشر در باکو، در نفاع از بربری زنان و برخورد انتقادی صریح با مذهب و قوانین و سنت‌های مرسوم نه تنها در شرق بلکه در سراسر جهان شهرت یافته و بعدها طنز‌های ملک‌اللین در فرهنگ شفاهی مردم جای گرفته است. بی‌جهت نبود که بعد از همروپلشی شوروی سابق خلق آذربایجان در مقابل هجوم تبلیغاتی جمهوری اسلامی مقاومت نمود و حاضر نشد بلکه نیز پوغ ارتقای اسلامی قرار گیرد.

گزارشی گوفاه از وضعیت اقتصادی جمهوری آذربایجان

در کنار فقر و فلاکت عمومی، بیکاری ابعاد وحشتاکی بخودش گرفته است. قاچاق مواد مخدوش، احتیاد، فحشاء و فساد اجتماعی بمنابع مظاهر نظام سرمایه‌داری جامعه را در بر گرفته است و مردم حسرت دورانی را می‌خورند که از این همه فجایع و نکبتی که دامنگیرشان شده است، خبری نبود.

۹۷ - ۸ - ۱۰

پند

در دلت انتشار به زبانهای مختلف

**کیفرخواست کارگران
ایران علیه رژیم
جمهوری اسلامی
شامل اسناد و مدارک
سرکوب، قتل و کشتار
رژیم**

در اینکه بحران اقتصادی جوامع سرمایه‌داری را در بر گرفته است بحثی نیست و اما آنچه که در البته می‌توان گفت که این وضعیت در تمامی بخش‌های دولتی جز پلیس و گارد ریاست جمهوری حاکم است. از یک کارگر شرکت نفت سوال می‌شود "اگر سه ماه است که حقوق ماهانه خود را دریافت ننموده‌اید پس از کجا امرار معاش می‌کنید؟" جواب می‌دهد یا همکاری رئیس بخش مقداری روغن موتور و وسائل یدکی ماشین‌آلات را بیرون از محل کار و در بازار ارسیاه بفروش می‌رسانیم تا بلکه لقمه نانی برای خانواده‌ای خود تهیه کنیم. حال اگر این کارگر از طریق فروش روغن موتور امرار معاش می‌کند، آن کارمند و پلیس از طریق اخذ رشوه‌نان و پنیری برای خانواده خود تهیه می‌کنند بقیه مردم، کارمندان جزء، کارگران و زحمتکشان روستاها چه باید بکنند؟ خلاصه و ضعیت اقتصادی بدتری و خیم است که دفتر یک خانواده کارگری که در سی کیلومتری محل زندگی‌شان ازدواج کرده است دو سال است که بعلت نداشتن چند صد هزار منات و یا بقول خوشنان "ده محمدامین" توانسته خانواده‌اش را ملاقات کند. از طرفی همزمان با ورود اجنبیان آمریکایی، اروپایی و هجوم سرمایه‌ها و کارشناسان از چهارگوش جهان، جمهوری آذربایجان چهره نیز بخود گرفته است،

کویا در تجارت محاصره اقتصادی

برای سالهای ۱۹۹۱ الی ۱۹۹۵ در ادامه حمایت‌های اقتصادی به کویا، آلمان شرقی قول مساعد ۱۸/۵ میلیون روبل را به کویا داده بود، که این مسأله همانند بیگ طرحهای بین دو کشور، از طرف وزیر همکاریهای اقتصادی آلمان شرقی باطل اعلام گشت.

قرارداد محصولات شیر و فرآورده‌های آن

آلمان شرقی در سال ۱۹۸۱ قراردادی را با کویا به امضارساند که بموجب آن تا سال ۱۹۹۵ میلیستی آلمان شرقی شیر و محصولات و فرآوردهای آنرا برای مصرف مردم به آنجا می‌فرستاد. آلمان شرقی سالانه ۲۰۰۰ تن شیر پاستوریزه به کویا می‌فرستاد و با معامله پائی به پائی ۲۰۰۰ تن مواد غذایی حیوانی (برای مصارف دامی) وارد می‌کرد. این قرارداد نیز بدون ارانه هیچ دلیلی از طرف آلمان فشخ شد که در آن شرایط اینکار وضعیت حیاتی میلیونها انسان بخصوص کودکان را به خطر انداخت. هر چند امروزه با پرورهای صنعتی-کشاورزی که کویا خود در دست گرفته، اوضاع اقتصادی تقریباً رو به بهبود است. از اواسط دهه هفتاد تاکنون این هدف در کویا نبال شده که هر کوک کوبایی تا سن ۷ سالگی می‌پایستی روزانه نیم لیتر شیر استفاده کند و این امر می‌پایستی تحت هر شرایطی تضمین شده و به اجراء رسید. در بیستمال گشته میزان تولید محصولات شیر در کویا به چهار برابر رسیده است. در حال حاضر تولید شیر خام در سال به بیشتر از یک میلیون تن می‌رسد. با کم مخصوصین آلمان شرقی مراکز دامداری عظیمی، مخصوص پرورش گلهای شیرده در آنچا بوجود آمد که میزان تولید شیر را به بالاترین حد می‌رساند. در تمامی جزیره کویا شبکه‌های دامداری مخصوص تولید شیر دایر گشته است. امروزه هر کوک کوبایی روزانه شیر بست می‌آورد، شاید نه به اندازه نیم لیتر، اما به آن اندازه که سلامتی و تدرستی کوک کوبایی تضمین شده باشد. میزان مرگ کودکان در کویا به پایین‌ترین سطح، یعنی هم طراز با کشورهای غرب اروپا رسیده و این مسئله حاکی از این است که با این مواد غذایی کافی برای آن از میزان مرگ آنها کاسته شده که در این میان وجود شیر و استفاده از آن عاملی برای سلامتی کودکان بوده است.

خسرو

شرقی به امضارسانده بود، به اجراء رسید. اما باوجود این از طرف آلمان شرقی مواد مورد احتیاج کویا، به آنچا ارسال می‌شد. در سال ۱۹۹۰ بعلت فسخ قراردادهای یکجانبه از طرف شرکتها و کارخانهای آلمان شرقی (در طی پروسه وحدت دو آلمان) واردات شکر و نیکل از کویا به آلمان شرقی به حد چشمگیری رو به کاهش گذاشت. برای مثال در همین سال تنها ۱۰٪ صادرات کویا به آلمان شرقی وارد شد و حتی یک کشتی نیکل از کویا سفارش داده نشد.

۱۵ کشتی مجهز به سرداخانه (متعلق به آلمان شرقی) که مسئولیت حمل مرکبات از کویا به آلمان شرقی را داشتند، در این هین از حرکت ایستادند و نه تنها هیچگاه میوه و مرکبات را از کویا به آلمان شرقی نیاورندند، بلکه خود گشته‌ها هم در پاییز سال ۱۹۹۰ به کشورهای اسکاندیناوی فروخته شدند. Antje Krause یکی از مسئولین اداره معاملات خارجی آلمان شرقی با کشورهای کارائیب واقع در آمریکای مرکزی، این مسئله را اذعان کرد که واردات شکر، قیو، تبابکو، مرکبات و آبمیوه‌های مختلف متوقف شده چرا که تمامی بازار آلمان شرقی انباسته از محصولات آلمان غربی است. این مسئله نشان می‌دهد که چگونه بخصوص از سال ۱۹۹۰ فشارهای اقتصادی از طرف آلمان به کویا برای فلنج کردن اقتصاد آن رو به فزونی گراییده است.

همکاریهای صنعتی

با کم آلمان شرقی در دهه هفتاد اقداماتی برای همکاریهای چشمگیر و عمده‌های مابین دو کشور ایجاد شده بود که خیلی از آنها در از مدت بوده و تا سال ۲۰۰۰ هزار می‌پایستی گسترش می‌یافت. در سطح پژوهشی، هنری، آموزش و پرورش و ورزش همکاریهای چشمگیر و عمده‌های مابین دو کشور صورت می‌گرفت. میزان قراردادهای امضاشده مابین دو کشور در طول سالهای ۱۹۸۱ الی ۱۹۸۵، ۱۹۸۵-۱۹۹۰، ۱۹۹۰-۱۹۹۵، ۱۹۹۵-۱۹۹۶ میلیارد مارک و برای سالهای ۱۹۸۶-۱۹۹۰، ۱۹۹۰-۱۹۹۱، ۱۹۹۱-۱۹۹۲، ۱۹۹۲-۱۹۹۳، ۱۹۹۳-۱۹۹۴، ۱۹۹۴-۱۹۹۵، ۱۹۹۵-۱۹۹۶، ۱۹۹۶-۱۹۹۷، ۱۹۹۷-۱۹۹۸، ۱۹۹۸-۱۹۹۹، ۱۹۹۹-۲۰۰۰ میلیارد مارک بروز شده است. آلمان شرقی طبق آخرین قراردادهای خود ببا کویا بین سالهای ۱۹۸۶ الی ۱۹۹۰ از مهمنت، قطعات و مواد مورد نیاز شکر، صنایع آجتو و نوشیانی، ماشین‌آلات، محصولات شیمیایی، کشاورزی و مواد مورد نیاز برای آموزش و پرورش را به کویا صادر می‌کرد و از کویا شکر صنعتی و نیشکر خام، مرکبات مختلف و انواع عصارهای مرکبات، عسل، نیکل، تبابکو، غذاهای حیوانات دامی و انواع تخته و چوبهای مختلف را وارد می‌کرد. در سال ۱۹۸۲ کویا در مرحله نیوبود که کلیه معاهده‌های شکر و نیکل را که با آلمان

در ماههای گذشته، مباحث و گفتگوهای مختلفی بر سر مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کویا بر سر زبانها بوده است. امیریالیسم آمریکا که با حریه محاصره اقتصادی قصد دارد تا اهداف استثمارگرانه و غارتگرانه خود را به قیمت گرسنگی خلق قهرمان کویا و نابودی ستآوردهای انقلاب لین کشور به کرسی بنشاند، لین سوال پیش می‌آید که این کشور کوچک چگونه خواهد توپست با این فشارها مقابله کرده به حیات خود ادامه داده و از انقلاب خوش دفاع کند. در این زمینه مسروی بر تحقیقات و بررسی‌های مربوط به روابط کویا با آلمان گوشه کوچکی از مشکلات این کشور و نیز لزوم گسترش همبستگی جهانی در دفاع از کارگران و زحمتکشان کویا را آشکار می‌سازد. باشد تاراه کویا چراگی باشد فرار از تمامی لفابونی که در راه سرنگونی سرمایه و برقراری نظامی عاری از ستم و استثمار و جنگ و گرسنگی در جهان پیکار می‌گذند.

مروری بر روابط کویا و آلمان شرقی در سالهای گذشته

طی سالهای ۹۰-۹۱ مابین دو کشور کویا و آلمان شرقی بیشتر از صد قرارداد اقتصادی بسته شده بود که خیلی از آنها در از مدت بوده و تا سال ۲۰۰۰ هزار می‌پایستی گسترش می‌یافت. در سطح پژوهشی، هنری، آموزش و پرورش و ورزش همکاریهای چشمگیر و عمده‌ای مابین دو کشور صورت می‌گرفت. میزان قراردادهای امضاشده مابین دو کشور در طول سالهای ۱۹۸۱ الی ۱۹۸۵، ۱۹۸۵-۱۹۹۰، ۱۹۹۰-۱۹۹۱، ۱۹۹۱-۱۹۹۲، ۱۹۹۲-۱۹۹۳، ۱۹۹۳-۱۹۹۴، ۱۹۹۴-۱۹۹۵، ۱۹۹۵-۱۹۹۶، ۱۹۹۶-۱۹۹۷، ۱۹۹۷-۱۹۹۸، ۱۹۹۸-۱۹۹۹، ۱۹۹۹-۲۰۰۰ میلیارد مارک تا ۱۰ میلیارد مارک بروز شده است. آلمان شرقی طبق آخرین قراردادهای خود ببا کویا بین سالهای ۱۹۸۶ الی ۱۹۹۰ از مهمنت، قطعات و مواد مورد نیاز شکر، صنایع آجتو و نوشیانی، ماشین‌آلات، محصولات شیمیایی، کشاورزی و مواد مورد نیاز برای آموزش و پرورش را به کویا صادر می‌کرد و از کویا شکر صنعتی و نیشکر خام، مرکبات مختلف و انواع عصارهای مرکبات، عسل، نیکل، تبابکو، غذاهای حیوانات دامی و انواع تخته و چوبهای مختلف را وارد می‌کرد. در سال ۱۹۸۲ کویا در مرحله نیوبود که کلیه معاهده‌های شکر و نیکل را که با آلمان

گرامی باد یاد و خاطره ارنستو چه‌گوارا!

آنچه در زیر می‌آید ترجمه نامه‌ای از "چه" به فیل است که قبل از ترک کویا و عزیمت به آفریقا در سال ۱۹۶۵ برای کاسترو نوشته شد. در ادامه ضمن معرفی کتابی از چه‌گوارا که برای اولین بار در سال ۱۹۹۶ از زبان اسپانیایی به آلمانی برگردانده شد، آدرس و فراخوان برخی این کنگره‌ها و کنفرانس‌های را باظلاع خواهندگان عالم‌بود به شرکت در آنها می‌رسانیم. در عین حال برای دریافت اطلاعات بیشتر و دعوت‌امه با آدرس مانیز می‌توانید مکاتبه کنید.

یادآوری می‌کنیم که این نامه از طرف چه‌گوارا به فیل کاسترو نوشته شد که "چه" پس از سالها کمک و پاری رساندن به انقلاب کویا و بازسازی کشور بعد از پیروزی بر دیکتاتوری همایرانی و همبستگی با جنبش‌های رهایی‌بخش آفریقا و آمریکای لاتین رادر دستور کار خود قرار داده بود و بهمین خاطر بارساندن پیامش به فیل رسپاری خود را به این مناطق اعلام داشت.

در میدانهای نوبن نبرد، اعتمادی را به همراه خواهم برده که تو برایم صیقل داده‌ای، روحیه انقلابی خلقم را، این احسان که شر افمندانه‌ترین وظیف را انجام می‌دهم و علیه امیری‌الیسم در هر کجا و مکانی که باشد، مبارزه می‌کنم. این مسئله خود با گذشت زمان عمیقترین زخم‌های اترمیم و مداوا می‌کند.

یکبار بیگر می‌گوییم که من کویارا از هرگونه مسئولیت و جوابگوئی معاف می‌دانم، بجز در موردی که کویا بایستی همچنان نمونه و سرمشق باقی بماند. حتی چنچه آخرین لحظات زندگی من زیر آسمان دور نیست باشد، بدانکه آخرین فکر و اندیشه‌ام، به این خلق و بویژه به تو تعلق خواهد داشت.

از تپیرای آموزشها و خلاقیت‌های تشرک می‌نمایم. تلاش خواهم کرد به آنها، در تمام عملکردهای خود وفادار بمانم. من خود را همیشه برای سیاست خارجی انقلابیان مسئول دانسته‌ام و امروز نیز همچنان خود را مسئول می‌دانم. من در هر کجا که باشم در مقام یک انقلابی کویایی عمل خواهم کرد.

اینکه برای فرزندان و همسرم هیچ مادی ای باقی نمی‌گذارم، برایم نزارحت‌کننده نیست. خوشحالم که دلوایپی ندارم و این مسئله باعث شادی است. من برای آنان هیچ چیز را تقاضانمی‌کنم، چرا که دولت آنچه را که لازم و ضروری باشد به آنان خواهد داد، تا اینکه آنان زندگی کنند و بتوانند خود را تکامل و آموزش دهند.

من به تو و به خلق‌مان چیزهای بسیاری برای گفتن داشتم، اما احسان مینمایم که ضروری نیستند که آنها را بزبان بیاورم. کلمات نمی‌توانند بیانگر آنچیزی باشند که من خواهان بر زبان راندن آنها

در آستانه سی‌امین سالگرد شهادت ارنستو چاگسوارا، بقایای جسد وی که آثار متعدد شکنجه در آن نمایان بود، در جنگل‌های بولیوی کشف و به کشور کویا منتقال داده شد. چه‌گوارا که انسانی کمونیست و انترناسیونالیستی معتقد و در عمل بود، با فعالیت مبارزاتی خود در بردهای از زمان، آنچنان تأثیری بر حیات سیاسی و فعالیت‌های انقلابی در سطح جهان بر جای گذاشت که خود به پدیدهای انترناسیونالیست و سمبی برای نسل‌های جوان انقلابیون و کارگران و زحمکشان جهان در مبارزه باست و لستمار، جنگ، بی‌خانمانی و فقر و فلاکت تبدیل شد. به مناسبت سی‌امین سالگرد شهادت این انقلابی و انترناسیونالیست بزرگ سینیارها و کنگره‌ها در نقاط مختلف جهان برگزار خواهد شد. در این سینیارها و کنگره‌ها ضمن بررسی تأثیر مبارزات چه‌گوارا در سطح جهان، آثار ادبی و سیاسی وی نیز معرفی خواهد شد.

اگر زندگی گذشت‌هم را به حضور بطیم، فکر می‌کنم با شرافت و صداقت تمام و از خود گذشتگی برای آن کار کرده باشم تا پیروزی انقلاب را تضمین و تحکیم بخایم. تبای اشتباه من در آن نهفته بود که به تو از اولین لحظه ملاقات‌مان در "سیرا میستر" (Siera Mastra) تمام‌باور نداشتم، اینکه توانایی‌های تو را بعنوان رهبر و یک انقلابی پر شور بسرعت کافی درک نکرده بودم. من روزهای شیرین حریرت‌انگیز و زیبایی را پشت سر گذشت‌هم. در کنار تو بون، برایم احسان غرور به همراه داشته‌ام. اینکه به خلقتان تعاق داشت‌هم، برایم شادی‌بخش بوده است. در روزهای شاد و در خشان پیروزی و در روزهای شام‌انگیز بحران خلیج خوکها، همه اینها را بیاد می‌آورم. یک چنین دولتمرد بر جسته‌ای مثل تو بذرگ در ایام مایافت می‌شود.

افخار می‌کنم که بدون درنگ و تعلل پیرو و همراه توبوده‌ام، همانند تو اندیشیده‌ام، خطرات و پرسنیه‌ها را همانند تو دیده‌ام و اگر تأمل نمایم در خواهم یافت که چیزی از یکدیگر هستیم.

نقاط بیگر کره زمین به پشتیانی و نیروی من احتیاج دارند. من خود را قادر به انجام اینکار میدانم. چیزیکه به خاطر مسئولیت تو در رأس کویا، از تو ساخته نیست. این چنین است که لحظات و ساعت‌های جدایی بین ما فرار سیده است.

باور کن که اینها را با آمیخته‌ای از شادی و درد بزیان می‌آورم. من در اینجا خالص‌ترین امیدهایم را بعنوان طراح آن و عشق به عزیزترین عزیزانم را بجا می‌گذارم... من خلقی را که مرا به عنوان فرزند خود پذیرفته پشت سر می‌گذارم. اینها تماماً براستی که قلب مرای پاره می‌کنند.

فیل، در این لحظات چیزهای بسیاری را بخاطر می‌آورم، بخاطر می‌آورم که چگونه با تو در خانه "ماریا آنتونیا" (Maria Antonia) آشنا شدم، زمانیکه تو مراد دعوت کردی که با تو بیایم، تمام کوشش و تلاش‌های تدارک و آمادگی را بیاد می‌آورم. یکی از روزهای زد ما آمدند و سوال کرند، چه کسی را می‌بایست در صورت مرگت خبر کنند. این مسئله همه مارا تحت تاثیر قرار داد، چرا که این امکان واقعیت داشت که پیش بیاید و قابل لمس بود.

بعداً تجربه کردیم و برایمان ثابت شد که حقیقت دارد که انسان در یک انقلاب یا پیروز می‌شود یا می‌میرد (اگر آن انقلاب درست باشد). بسیاری از رفق در مسیر رسیدن به پیروزی جان خود را از نست دانند.

امروز همه چیز کمتر آهندگ در امانتیک دارد، برای اینکه ما پخته‌تر شده‌ایم، اما موقعیت ممکن است تکرار شود.

من احسان می‌کنم که بخشی از وظیف خود را که مرا در اینجا به انقلاب کویا وصل کرده، انجام داده و از تو، از رفقا و از خلق تو که در واقع خلق من نیز هست، خداخافطی کرده و جدا می‌شوم.

من از کلیه پست‌های رسمی که در رهبری حزب داشتم و همچنین از پست خود بعنوان وزیر، از درجه فرماندهی و هویت کویایی داشتن کنار می‌کشم. تنها پست و مقام و یا درجه رسمی و دولتی مرا به کویا وصل نمی‌کند، بلکه رشته‌ای جدایی‌نایبیز باقی خواهد ماند که مرا به کویا همچنان متصل نگه خواهد داشت.

از نگاه "چه" و همزمانش سخن می‌گوید.
ما امیدواریم که این اثر گرانبها بزودی بزبان فارسی نیز ترجمه شود تا بلکه قدری بیشتر در جهت آشنایی با نظرات "چه گوارا"، در باره تجربیات وی در همراهی با مبارزان آفریقا به اطلاع عموم برسد.

به همه فعالیت جنبش همبستگی با کویا!

گردهمایی مجامع، کمیته‌ها و گروه‌های همبستگی در اروپا به تاریخ ۲۹ مارس ۱۹۹۱ در دانمارک (کپنهاگ) برگزار می‌گردد. به اطلاع میرسانیم که بعد از نشست اروپایی مجامع همبستگی با کویا که در دو سال گذشته در شهر Balzano (ایتالیا) برگزار شد، در تاریخ ۲۷ الی ۲۹ مارس ۱۹۹۱ برای دومین بار جلسه اروپایی دیگری در کپنهاگ (دانمارک) برگزار می‌گردد. طبق نتیجه جلسه در طی این سه روز نشست، مباحث مختلفی همچون راههای مختلف حمایت و همبستگی با کویا، هماهنگی و سازماندهی هر چه بهتر و سریعتر آن در سطح اروپا و همچنین منطقه اسکاندیناوی، انجام خواهد گرفت.
نکته قابل ذکر در این نشست مورد چگونگی همبستگی و گسترش همکاریهای اتحادیه‌های کارگری اروپایی با کویا می‌باشد. شرکت در گروههای همبستگی کار با کویا، توسعه و اجرای پروژه‌های صنعتی و کشاورزی و راههای حمایت از این حرکتها، حمایت‌های هنری-فرهنگی و تبادل‌های متقابل گروههای همبستگی کشورهای اروپایی در این زمینه و مباحث پیشنهادی دیگر، جزو برنامه این نشست خواهد بود. در این نشست اروپایی بغير از میهمانان و متخصصین اروپایی در زمینه‌های مختلف، مسؤولانی نیز از کویا CAP (استیتوی دوستی با خلق‌های جهان) از طرف این مرکز به کپنهاگ خواهد آمد.
برای کسب اطلاعات بیشتر با اتحاد فدائیان کمونیست تمام بگیریدا



همچنین مجمع همبستگی آلمان - کوبانیز در پائیز امسال، در شهر مونیخ کنگره بین‌المللی چه گوارا را برگزار خواهد کرد. کلیه علاقمندان به شرکت در این کنگره می‌توانند با آدرس این مجمع تماس حاصل نمایند.

آدرس مجمع:

Freundschaftsgesellschaft
BRD -- Kuba e. v.
Zulpicher str. 7
D -- 50674 Köln
Germany

معرفی کتاب: «سالی که هیچ جا نبودیم»

*Das Jahr, dem wir
nirgendwo waren*

عنوان کتابی است که برای اولین بار در اوایل سال ۱۹۹۶ از زبان اسپانیایی به آلمانی ترجمه و منتشر یافته است. سالی که ما هیچ جا نبودیم، عنوان کتابی است، مربوط به خاطرات و نوشته‌هایی که "ارنشتو چه گوارا" مابین سالهای ۱۹۵۵-۱۹۶۶ نوشته و برای اولین بار هم اکنون به چاپ رسیده است. در طی یکسال که "چه گوارا" (۶۶) از صحنه سیاسی و مبارزه ناپدید شده بود، گزارشها و خبرهای نامعلوم و مختلفی در مورد وی در کویا و اذهان مردم در سطح جهان بر سر زبانها افتاده بود. عدهای معتقد بولند که "چه" از فعالیت سیاسی کثار مکرری نموده، عدهای این خبر را پخش کرده بولند که او نیست به خودکشی زده، گروهی نیز معتقد به روانی شدن او شده و خبر ناپدید شدن را میدانند. اما در واقع لین یکسال، سالی بود که چه گوارا برای رهایی خلق کنگو از نست استعمار بلژیک به صفت مبارزین و انقلابیون این کشور پیوسته بود تا بتواند از این تیریق راهی را که برای همبستگی بین‌المللی در پیش گرفته بود، بعد از انقلاب کویا در آفریقا نیز ادامه دهد. در این مجموعه با ارزش که برای اولین بار هم اینک، از نامه‌ها و یاداشتهای "چه" در طی یکسال مبارزه‌اش در آفریقا صحبت بمیان می‌آورد. خاطرات و تجربیات هنگفتی را بازگو می‌کند که از چگونگی و شیوه فعالیت‌های چریکی مبارزان کنگو، روابط انسانها، طرز تفکر، اختلافات فکری - تجربی، اشتباها و نست‌اوردهای مثبت و منفی این مبارزه

هست و صفحات را پر کردن به تمامی گویای احسان من خواهد بود.

برای همیشه تا پیروزی. یا وطن یا مرگا
ترا با تمام صمیمیت و شرف انقلابی در آغوش می‌کشم،

چه

تنظيم و ترجمه از: تمندر

کنفرانسی بین‌المللی «چه گوارا»

در تاریخ ۲۶ سپتامبر ۱۹۹۷ در دانشگاه هومبولت برلین (کنفرانس به زبان آلمانی برگزار می‌شود)

۸ اکتبر ۱۹۹۷ ارنستو چه گوارا به همراه ۷ تن دیگر از رفاقت همزمان خود در یک مقابله نایابر با ارتش بولیوی به شهادت رسیدند. با گرامیداشت سی امین سالگرد شهادت چه گوارا به یاد تأثیرات و نتیجه‌وردهایی که وی در طی مبارزه‌اش بر جای گذاشته است و برای مرور کردن زندگی و مبارزه "چه" و تأثیرات آن بر روی انسانها و مطالعه و تحقیق در اینمرود، همچنین برای تحقیق در مورد تحولات و مبارزات ضدامپریالیستی و حرکتهای دمکراتیک در امریکای لاتین، از دهه پنجم تاکنون و پروسه مباحثات در طی این دوران و برای شناخت و بررسی مبارزه پیشاروی در قرن ۲۱ و در نتیجه قرار دادن تغییرات ضروری و طرح اشکال و چگونگی مبارزه در راه همبستگی بین‌المللی، کنفرانسی در تاریخ ۲۶ الی ۲۸ سپتامبر ۱۹۹۷ در دانشگاه هومبولت برلین برگزار می‌گردد.

این کنفرانس موضوعاتیزیر را بشرکتمهمان و کارشناسان بین‌المللی، به گفتگو خواهد گذاشت:

چه گوارای انقلابی، انترناسیونالیست، چریک، وزیر و اوج مبارزه ضدامپریالیستی و رهانی بیخش در دهه ۶۰ میلادی

• چه گوارا و انقلاب کویا: تحولات و تأثیرات انقلاب کویا در آمریکای لاتین

• لیبرالیسم نو: عواقب و آلتنتیو

• ضرورت همکاریها، ارتباطات و پیوند حرکتهای اجتماعی شمال و جنوب، سازمانها و انجمنها،

ضمناً" کلیه افرادی که مایل به شرکت در این کنفرانس هستند و می‌خواهند پیشنهادات و نظرات تکمیلی خود را به کنفرانس ارائه نمایند، می‌توانند جهت اطلاع بیشتر با آدرس اتحاد فدائیان کمونیست و یا مستقیماً با آدرس زیر مکاتبه کنند:

Reinhard Thiele
Kleine Alexander str. 28
D -- 10178 Berlin / Germany

با کمکهای خود ما را در پیشبرد وظایف
انقلابیمان یاری کنید!

درباره مشکل ایمکاران

بقیه از صفحه اول

باید خواسته هایمان را ارتقا دهیم. سوئد کشور ثروتمندی است. امروز تولیدات سوئد به نسبت دهه هفتاد ۵۰ درصد و به نسبت دهه هشتاد ۲۵ درصد اضافه شده است. آنچه که امروز بر دوش ما سنگینی می کند، مخارج عضویت در اتحادیه اروپا است که سالانه به دهها میلیارد کرون می رسید و بیکاری است که هزینه هایی از این هم بیشتر را بر دوش ما می گذارد.

مدل اقتصادی ای که سوئد در سال ۱۹۹۱ از ایالات متحده کپی پردازی کرد در آمدهای دولت را در همان سال ۶۰ میلیارد کرون نسبت به سال قبل کاهش داد. کسانی که از این رفرم سود برند، شرکتها و افراد پردرآمد بوند.

سال ۱۹۹۲ شرکتها کلا ۲۲ میلیارد کرون مالیات پرداختند، اما همان سال دولت به شرکتها ۵ میلیارد (بیش از دو برابر) کمک مالی داد.

در سال ۱۹۹۲ تجارت خارجی سوئد ۷۰ میلیارد کرون سود داد. سال بعد این مبلغ به ۱۲۰ میلیارد رسید. کسری بودجه را می توان از اینجا جبران کرد!

آنگاه که این ارقام از غالب‌های آماری خارج شده و به اطلاعات عمومی تبیین شوند، می توان روی آنها حساب کرد. تا آنروز من از کار کمونیستی تشرک می کنم که امکان داد، تا صدای من به گوش خوشنده این نظریه برسد.

شارلوت سورستروم

CHARLOTTE
SVÄRDSTRÖM

**کمکهای مالی خود را به حسابهای زیر واگز و قبض آن را به همراه گذلخواه خود،
برای ما فخرستید:**

خارج از سوئد

در داخل سوئد

EFK
SWEDBANK
S-404 80 Göteborg
Sweden
Clearingsnr: 8201-6
Account: 4438657-1

EFK
SPARBANKEN
Clearingsnr: 8201-6
Kontonr: 4438657-1

بیکاریهای وسیع توده‌ای انجامیده است. یکی از نمونه‌های آن اعتصاب کارگران رنو در فرانسه در آغاز مارس امسال بود.

متقابلًا تاکتیک سوسیال نمکر اینها علیه طبقه کارگر این است که فرهنگ گروهی از مردم را در مقابل فرهنگ گروهی دیگر علم کنند. برای مامهم است که بتوانیم راهیابی پیدا کنیم که به این اختلافات غالب شویم. حقوق برابر برای همه، اعم از سوئدی و مهاجر، یکی از راهیابی است که می تواند به ما امکان دهد تا حمایت جمعیت عظیم ایزو له شده در گتوهای خارج از شهر را به خود جلب کنیم.

یکی دو سال پیش حریبی که من با آن کار می کنم، (KPML) (حزب کمونیست اقلایی مل) برنامه کارگری برای حل بحران ارائه داد. در این برنامه مخواستار این شدیم که رفرم اقتصادی سوسیال دمکراتیک ایجاد شود که مردم ملغی شود، اضافه حقوق به کسانی که کمتر از ۲۰۰ هزار کرون در سال می گیرند، داده شود تاقدرت خرید مردم بالا رود. سن بازنشستگی پایین آورده شود و ساعت کار به ۶ ساعت در روز با حقوق ثابت تغییر کند، تا مشاغل جدیدی ایجاد شود.

من نمی دانم آیا لازم است تشكیلات جدیدی علاوه بر آنها که اکنون وجود دارند ایجاد شوند تا این خواسته ها را پیش برد. اما یک چیز را می دانم. اگر می خواهیم مبارز ممان موق باشد، باید متعدد شویم. اعم از بیکار و شاغل، باید بتوانیم فرای مرز های مصنوعی ای که بر اساس شغل، جنسیت، تعلق حزبی و ملیت بین ما ایجاد شده، با هم متعدد شویم.

هر چند در پاییز ۱۹۹۶ اتفاقاتی افتاد که با روند سیاسی عمومی همخوانی نداشت.

یکی از آنها تشکیل کمیته کارگران ساختمانی بود که با شرکت معافون وزیر کار در یوته بوری همزمان شد. یکی دیگر از آنها بحث علمی ای بود که کارگران ساختمان با مارگارتا وینری وزیر کار در همان محل برگزار کردند. واقعه دیگر ظاهراتی بود که با همکاری سازمان کارمندان TCO در مقابل محل ملاقات مارگارتا وینری و کارل بیلت (از رهبران اپوزیسیون بورژوا لی سوئد) برگزار شد.

طی این اعتراضات و اجتماعات ما بیکاران توافقیم بی آنکه خشم و اعتراضات از صافی نمایندگان سوسیال نمکرات اتحادیه ها تصفیه شود، حرفمن را بیان کنیم.

چه کنیم قا بتوافیم مبارزه با بیکاری را ادامه دهیم؟

چهارشنبه ۲۷ آگوست ۱۹۹۷ بیبر سایق اتحادیه فلزکاران و وزیر فعلی امور مهاجرین به یوتیبوری آمد. زمانی که شهرداری یوتیبوری چند انجمن مهاجران را برای آشنایی فراخوانده بود.

اما پیش از آنکه وزیر امور مهاجرین پایی تریبون سخنرانی برود با یک زن ایرانی برخورد کرد که از پایده سال پیش به سوئد آمد و هنوز کاری پیدا نکرده بود. طیبه اختران درباره شرایط خودش صحبت کرد و من قصد بازگو کردن آنها را ندارم.

من فقط می توانم بگویم که شهامت وی در طی ۱۸ روزی که او در اعتصاب غذا بر می برد، برای من، فرزندانم، دوستانم و آشنايانم در مبارزه با جامعه ای که هر روز نسبت به اعضای خود بی رحمانتر عمل می کند، از خیلی از نشriات، سخنرانی ها و اوراقی که هر روز از دل جامعه سوئد بیرون می ریزند بیشتر اهمیت داشته است.

در کارخانه و لوو در تورسلند، که دو میلیون کارخانه بزرگ ولوو در تسام اروپاست، ۶۳ میلیون کار می کنند. سیاست وزیر امور مهاجرین چه نزدیکی ای بین اینها بوجود می آورد.

در غرب اروپا تالشهای مختلفی جاری است که کارگران ملیتی ای مختلف را در یک مبارزه متعدد کنند؛ مبارزه با سیاست اقتصادی اتحادیه اروپا که به

بگذار صد گل بشکفت

بگذار صد مکتب با هم رقابت کنند

نشریه برسانند. این صفحه همچنین وظیفه دارد تا پیوند نشریه را با خوانندگان متنوع خود برقرار ساخته و به آن تداوم بخشد.

بنابراین مقالات این صفحه نه بر مبنای مواضع و برنامه سازمان، بلکه بر اساس کیفیت آنها انتخاب و درج خواهد شد. ما منتظر دریافت نظرات خوانندگان هستیم.

الا مساجد الارضان يا جمهوری

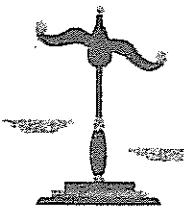
افزایش بیکاری در اروپا، فقدان چشم‌انداز یافتن شغل مناسب برای خارجیها، مشکلات ادغام در جوامع جدید، ایزووله شدن روزافزون خارجیها، ازدواج‌های غلط مبتنی بر فرهنگ و سنت‌های گشته در وطن، اختلافات خلوانگی و دعوای زن و شوهرها را در میان ایرانیان مقیم این کشورها افزایش داده است.

زمینه ازدواج‌های غلط شناخته‌های سطحی از خواستها و سلایق همیگر باعث شده تا یک اختلاف جزئی به کتکداری و کشنن زنان حتی بعد از جدائی منجر شود.

صد البته در این میان آموزه‌ها و سنت‌های اجتماعی مذهبی نیز نقش موثری بازی می‌کنند اما ریشه اصلی این اتفاقات را در جامعه طبقاتی، همانا در بیکاری، ایزووله شدن از جامعه و مشکلات اجتماعی دیگر باید جستجو کرد کما اینکه این پدیده در میان خود غربی‌ها هم در دوره بحرانی و افزایش بیکاری بشدت رواج می‌باشد در حالیکه ممکن است در یک حالت عادی در یک شهر و روستای مذهبی و سنتی بدرت با اینگونه پدیده‌ها مواجه بوده باشیم، به هر حال اینجا قصد ریشه‌ای این مشکل نیست. مساله عبارت از این است که وقتی سرمایه‌داری برای سرپوش گذاشتن بر علی اصولی این اتفاقات تلاش دارد تصریف را به گردن ملیت، نژاد و مذهب افراد بیاندازد و از زیر بار مسئولیت خود شانه خالی کند، بعضی جریانات سیاسی نیز به اینگونه برداشت‌ها و تحلیل‌ها دامن می‌زنند.

بقیه در صفحه ۱۳

صلوٰه لِلْأَكْلَهَا!



هر چند که بر اساس اعتقاد عمیق ما به آزادی اندیشه و بیان، صفحات کار کمونیستی برای انکاس نظرات، مباحث، انتقادات و طرحهای خوانندگان حول مسائل میرم جنبش و جامعه باز خواهد بود، اما با این وجود صفحه‌ای تحت عنوان "بگذار..." در نظر گرفته شده است تا آنهایی که ممکن است درباره مسائل مختلف همچون ما و برنامه ما نمی‌اندیشند، بتوانند نظرات خود را به اطلاع خوانندگان

استدلال و تأثیر ایرانی

بخش اول

کسانی که در شبکه ارتباطی اینترنت به سیر و سیاحت می‌پردازند، مجبوب اطلاعات و تصاویر آن می‌شوند. سیاحت گر اینترنت می‌تواند سری به استاد کتابخانه دانشگاهی در آستانه بزرگی از نمایشگاه‌نقاشی‌های یک هنرمند ژاپنی بازید نماید. او میتواند به مجلات مختلف سترسی پیدا کند. یا به بخش "فکرگویی" اینترنت وارد شود و اگر بخواهد می‌تواند با هزاران گروه‌مناظره کنند و وارد بحث شود. تعداد صفحات پیشکشی، اقتصادی، علوم اجتماعی، فنی و علوم دیگر سر به صدھا می‌زند. اما این تمامی داستان نیست. دنیای اینترنت تحت نظامی که آنرا کنترل میکند یک دنیای ناعادلانه بوده و جوانگاه پورنografی، گروههای راسیستی و فاشیستی نیز هست. دنیای اینترنت هرچه بیشتر به محلی برای خرد و فروش کالا تبدیل می‌شود. و بالآخره اینترنت نه تنها فاصله کشورهای امپریالیستی و کشورهای تحت ستم را کاهش نداده بلکه اختلاف آنان را هرچه بیشتر کرده و می‌کند در این نوشه سعی خواهد شد بر جنبه‌های تاریک این شبکه انگشت گذاشته شود، زیرا که در مورد جنبه‌های مثبت آن مرتب از رسانه‌های مختلف می‌شونم و یا می‌خوانیم.

اینترنت در پاسخ به نیازهای نظامی آمریکا و برای مقابله با حملات موشکی احتمالی سوری توسط پنتاگون ایجاد شد مسویت اینترنت از همان ابتدا بر

بقیه در صفحه بعد

تازه ترین اخبار توسعه پژوهان

با آغاز دوره ریاست جمهوری محمد خاتمی، بسیاری از جریانات و سازمانهای ارتجاعی وضد انقلابی آب دهانشان راه افتاده و بی‌صیرانه منتظرند تا مورد مهر و محبت "آقا" قرار گیرند. اما واقعیت‌زندگی سرختر از تصوریهای من در آورده و ذهنی پاسداران نظم کهنه بورژوازی‌اند. بویژه اگر این تصوریها از کله کسانی صادر شوند که از بام تا شام برای نجات رژیم در نزد خودی جمهوری اسلامی و مناسبات ضدبشاری آن عرقیزان در جنب و جوشند. "انتخابات" اخیر ریاست جمهوری در ایران تحت حاکمیت تروریستها و آدمکشان شناخته شدهای چون سیدعلی خامنه‌ای و دستیار لفکش علی اکبر رفسنجانی، بار دیگر نقاب از چهره زشت و کریه نیروهای ضدمردمی و عقب مانده‌ای چون "فداکاران اکتریت"، "حزب دمکراتیک مردم ایران" (حزب بایک امیر خسروی از اندیشه آخوند داعی)، انواع و اقسام "جمهوری خواهان ملی" و همه کسانی که بنحوی خواهان تقسیم امتیازات اقتصادی - سیاسی با امثال خاتمی‌ها و دیگر تروریستهای رژیم اسلامی هستند برکشید، تا مردم بهتر ماهیت واقعی دشمنان خویش را بشناسند. واقعیت این است که در پس هر چهل پردازی و عبارت سیاسی منافع و اهداف مشخص طبقاتی خواهد بود. یعنی اینطور نیست که مثل اگر آقای بیژن حکمت از زاویه برقراری "دموکراسی" در چارچوب قوانین جمهوری اسلامی چیزی هم در باره نقش "مردم" فرموند، دیگر یک مترجم نیست و دمکرات است. اصلاً اینطور نیست!

بقیه در صفحه بعد

باز هم درباره توهمندی افغانستان

نقیه از صفحه ۱۱

یکست کردن حاکمیت قرون وسطی اش آنها را از خودش، طرد نمود تا بعد از نقش "اپوزیسیون"، مورد استعمال امثال رفسنجانی و محمد خاتمی قرار گیرند. حال با این اوصاف اگر هستند کسانی که فکر می‌کنند برخی گرایشات "چپی" در میان بخش‌های گوناگون حزب توده، اکثریت و جمهوریخواهان ملی وجود دارند بایستی حقیقتاً دوایی برای شفای بیماری خویش بیابند. البته که در بین سازمان اکثریت، حزب توده، حزب ضدodemکراتیک مردم ایران و جمهوریخواهان ملی "گرایشات چپ" حضور نیمه‌جانی دارند، اما "چپ" بودن ایشان تا جایی است که می‌توانند در کنار چنان "چپ" رژیم در غارت طبقه کارگر و بیگر زحمتکشان جامعه سهیم گردند. متنها جمهوری اسلامی بنابر ماهیت عمیقاً ارجاعی و تروریستی اش حتی قادر به تحمل انتقادهای اینگونه جریانات هم نیست. ولی نکته مهم اینجاست که مناسبات حاکم بر جامعه ستمزده ایران که جمهوری اسلامی بیان فشده آن می‌باشد، بقدری بحرانی و لرزان شده و به آنچنان حدی از گذلیدگی و فساد درونی رسیده است که نه تنها خاتمی بلکه "خدای خاتمی هم قادر به نجات آن نیست. این دولت انسان‌ستیز را فقط از طریق یک انقلاب هدفمند و قهرآمیز بایستی سرنگون کرد و از همین الان در صدد تدارک نشمند آن برآمد. چراکه فقط از طریق چنین انقلابی است که طبقه گارکر می‌تواند، پایه‌های نظم کهنه و استثمارگرایانه بورژوازی را از ریشه درآورد و عملاً وظیفه ایجاد جهانی نوین را در صدر برنامه خویش قرار دهد.

اسکندر

می‌بینیم یا می‌خواهیم که بعد از ریس جمهور شدن محمد خاتمی، نیروهای بورژوازی چون اکثریت، جمهوریخواهان ملی، حزب ضدodemکراتیک مردم ایران و غیره با آه و ناله در صدد اظهار ندامت و توبه بدرگاه ایشان برآمدند تا هرچه زودتر جبران ماقات نمایند. زیرا ناپرهازی بخرج دانند و با اتخاذ سیاست "ماجر اجویانه تحریم انتخابات" بذجوری برای خوشنان درسرا درست کردند. اما مسئله اصلی اینجاست که بیشتر بخش‌های اپوزیسیون بورژوازی جمهوری اسلامی بخاطر منافع مشترکی که با مناسبات حاکم دارند، توانایی درک روندهای پیچیده اجتماعی را ندارند. از همین نقطه نظر است که طیفه‌ای رنگارنگ اکثریتی - توده‌ای و بیگر "دمکرات‌های" تازه کار وطنی با وجود همه ادعاهای کاذب‌شان در رابطه با "مردم‌سالاری" و "حکومت مردم"، هنگامیکه به عامل اصلی سرکوب و وحشت‌افکنی توده‌های زجر کشیده یعنی جمهوری اسلامی می‌رسند، نه تنها خواهان سرنگونی تماییت آن نیستند بلکه بر عکس هنوز که هنوز است انتقادهایی که مطرح می‌نمایند از زاویه نزدیکی هر چه بیشتر به جمهوری اسلامی است، که بایستی با اتخاذ بعضی "جرح و تعذیل‌های" جزیی از انقلاب تضادهای اجتماعی در ایران جلوگیری بعمل آورده باشد. سرمایه‌داران و دولتشان، با خیال راحت مقدرات مرمدم را هر طور که خواستند رقم بزنند. به این می‌گویند دمکراسی ناب و کامل ۱۱ چون این قبیل جریانات معتقدند که بعد از کشتار بزرگ سال شصت (۱۳۶۰) و همکاری آنها با دولت اسلامی، این توده‌ای - اکثریتیها بیوند که صفوی رژیم را ترک کرند و به "نصف" اپوزیسیون پیوستند، بلکه مقصراً اصلی جمهوری اسلامی بود که برای

چراکه جامعه ایران نیز بعنوان بخشی از نظام سرمایه‌داری جهانی موظف است بر اساس یک تقسیم کار استثمارگرانه بین‌المللی، مناسبات و قوانین داخلیش را تنظیم و تدوین نماید. به همین دلیل نیز در جامعه ما علاوه بر اقتدار وسیع خردبُرْژوازی که در تحولات آئی نیروی عمدت‌های محسوب می‌گرند، دو طبقه اصلی جامعه یعنی طبقه کارگر و بورژوازی سرنوشت واقعی توده‌های تحتستم را رقم خواهند زد. پس بیوهده نیست که با نمایش "انتخاباتی" جمهوری اسلامی، نیروها و جریانات رنگارنگ طرفدار نظم حاکم که همیشه چشم به دهان بالایها دوخته‌اند، بیتابانه دعای خیرشان را بدرقه راه آقای سید محمد خاتمی نموده‌اند تا شاید تکه استخوانی خشک و پوسیده نصبیشان شود. اما این آقایان بشدت "دمکرات" اصلانی خواهند بیبینند که بر سرمه‌فره حاصل از غارت و چپاول مسترنج کارگران و بیگر ستمدیدگان جامعه ایران توسط جمهوری اسلامی نزدان و قاتلان حرفاً، جای هیچ نشیمنی نمانده و در خوشبینانه‌ترین حالت نصیبی جز تعدادی لگد، از مقامات عالیه مملکتی "نخواهند برد. این حقیقت عریان را همگان در اوایل اسلامی شدن انقلاب مردم بوسیله خمینی، وسپس کشتار نیروهای انقلابی و کمونیست بعینه بینند. بینند که چطور جریانات به اصطلاح دمکرات امروزی و همکاران دیروزین جلدانی چون خلخالی، گلستانی، ریشه‌ری و بیگرنستاره بندان حاکم، سست در سست کشتار کنندگان خلق ترکمن، خلق کرد و بیگرنستیستان فلاحت در خون تپیده مان، از هیچ تلاشی برای شیبست نظام جمهوری اسلامی و استقرار حاکمیت استبدادی و لایت فقیه دریغ نورز بینند. بنابر این جای هیچ‌گونه تعجبی نیست زمانیکه

ایا صاحب‌الزمان یا حجه‌الله!

شوند خود را "دمکرات"، "مودب" و "متمندنتر" از گروههای چپ جلوه دهند، احساس پیروزی می‌کنند و بیش از پیش باور مند باینکه "صاحب‌الزمان" و حجت خداست که خود دشمنان اسلام را خوار و ذلیل می‌کند.

این است نتیجه‌دانم کاری سبک و سیاقی که نه از موضوع بحث و نه از جایگاه بحث و طرح اختلافات درک درستی دارد.

رفقای عزیز حزب‌کمونیستکارگری و راه کارگر با قطعنامه صادر کردن و منع کردن چادر و

زنان و دختران حزب الله را در می‌آورند که "این طرح و پیشنهاد غیرdemکراتیک است و آزادی پوشش رانفی می‌کند و برای زنان قیم می‌ترادش" و... از طرفی گویا اعضای راه کارگر با مستمسک قرار دادن "احترام به مذهب و باور توده‌ها" (طبق اطلاعیه کمین نفاع از زنان) مورد تشویق حزب الله‌ها قرار می‌گیرند، و این اختلافات در نهایت به دعوا و کشمکش این دو گروه میانجامد و مسالمه اصلی به فراموشی سپرده می‌شود. زنان حزب الله‌ی از این که زمینه‌ای ایجاد می‌شود تا موفق

قرن گذشته بویژه در دوران انقلاب مشروطیت دهه نویسنده، شاعر، روزنامه‌نگار و روشنگر علیه مذهب در ایران آشکارترین و صریح‌ترین برخوردها را کردند و هنوز در جمهوری اسلامی با وجود اینکه آثار آنها منوع است ولی دست بست و سینه به سینه توهنهای مردم می‌گردد و تاثیر خود را بر جای می‌گذارد. بهتر است رفاقت مطالعه این آثار و بازنگیری از آنها مساله مبارزه علیه ارتقای مذهبی و آثار و عواقب آنرا در میان مردم زحمتکش گشترش دهند، مماثلات با مذهب این افیون واقعی توده‌ها هیچ توجیهی نمی‌تواند داشته باشد.

ع.

کارگر و زحمتکشی که با متابعت در پشت دارهای قالی و یا در شالیزارها و کارخانه‌ها کار می‌کند چقدر از آن دختر ظاهراً مردنی که یک شب دیسکو رفاقت را ترک نمی‌کند مدرن‌تر و متmodern‌تر فکر و عمل می‌کند. برای مبارزه با مرسالاری، زن‌ستیزی، مذهب و تبعات آن باید به کار آگاه‌گرانه پرداخت آنهم شجاعانه، نه با تزویر و مماثلات.

از طرفی "احترام به مذهب و باور توهنه" که خود یک برداشت ارتقای ایست و به باور توهنهای مذهبی بطور مثال در مورد سنگسار و یا همین چادر کوچکترین احترامی نمی‌توان قائل شد، محوز برای عدم برخورد صریح و افسای مذهب و نقش آن از سوی راکارگران نمی‌باشد. فراموش نکنیم که در آستانه قرن بیست و یکم قرار داریم، در

چاقچور و این چیزها نمی‌شود چادر از سر دختران برداشت و یا با مذهب مبارزه کرد. همانطور که نظامیان ترکیه نتوانستند و در ایران رضا شاه کردند و دوره آن محمد رضا خان هم که بیین که چگونه خلیل‌ها ظاهراً از پوشش آخرین مد پاریس استفاده می‌کردند، اما در تکریه همچنان مذهبی باقیمانده بودند.

هزاران خواهر زنی که بعد از سال ۵۷ در جمهوری اسلامی به صفت شنند و یا هم اکنون در پایگاه‌های مجاهین قدم آهسته می‌روند اغلب همان مینی‌ژوپوهایی بودند که ظاهر اغیر مذهبی و "آزاد" چلوه‌گری می‌کرند.

حزب کمونیست کارگری همین "اسنانهای مدرن" خودش را یک مقدار خراش بدده آنوقت خواهد نید پشت این ظاهر مدرن چی خواهید است و آن زن

استراتژی و تأثیراتی جهانی

یافته از صفحه ۱۱

قدرت عظیم ارتباطات می‌نویسد: "در چهان پسا مدرنیسم لازم است همه ما در مورد واقعیت‌های زندگی خود تصمیم بگیریم" در حوصله این نوشتۀ نیست که به همه نکات نقل قول فوق بپردازد. در اینجا فقط به دو نکته اساسی نظرات اندرسون اشاره خواهیم کرد.

ولا این "ما" شامل چه کسانی است؟ این "ما" نمی‌تواند در بر گیرنده مردمی بشد که بر اثر قحطی جان می‌سپارند. آنها حتی نمی‌توانند در مورد زندگی بودن خود تصمیم بگیرند چه رسید به اینکه آزادی چگونه زندگی کردن را داشته باشند. ابتدا باید بهفهمیم چه کسانی بروون این دنیای "مدرن" جای می‌گیرند و چه کسانی بیرون از آن قرار می‌گیرند. می‌دانم حداقل یک میلیارد از جمعیت جهان (تفربیاً یک پنجم کل جمعیت جهان در قرق‌کامل بسر می‌برند - یعنی بدون سرپناه، خوارک و پوشاسک‌کافی). اینان کشاورزان و دهقانان بی‌زمین، چادرنشینان در بذر و تهییستان و فقرای شهرها هستند. اینان از غنای حق‌الانتخاب رنج نمی‌برند. اینان یا باید برای بقا و آینده خود بجنگند یا به انتخاب زندگی در قرق رضایت دهند. به این عده باید سه میلیارد بیگر از مردم کشورهای جهان سوم و به اصطلاح "در حال پیشرفت" را نیز اضافه نمود. این دسته نمی‌توانند آنچه را که می‌خواهند انتخاب کنند، زیرا هر آنچه داشتند در طول سال‌ها انتقاد و استثمار بطور سیستماتیک توسط کشورهای امپریالیستی نبود شده و شیوه تولیشان بعد از به انتقاد کشیده شدن متناسب با منافع امپریالیست‌ها مجدداً شکل گرفته است. آنان بقویه در صفحه ۱۹

"سومین نیروی بزرگ نظامی جهان بعد از آمریکا و شوروی" آن زمان مطرح کرند آنچنان جوی توسط آمریکا و متحداش خلق شد که توانستند بر آن بستر مدرن‌ترین جگ یکطره را به قیمت کشتن ده‌ها هزار نفر برایان را از اینجا نهادند. آنها در رایطه با اینترنت و بطور کلی تکنولوژی اطلاعاتی می‌خواهند چنین و اندود کنند که وجود و گسترش اینترنت جهان را به یکی‌گر نزدیک می‌کند و "یک جامعه جهانی نوین" می‌آفریند. پیام این کارزار تبلیغاتی این است که بگذارید تکنولوژی و در راس آن کامپیوتر اختلاف میان غنی و فقیر را در جهان حل کند. در حالی که مسئله درست عکس این است. آینده گرایانی مانند "الوین تاکلر" (مشاور گینکریچ ریسیس کنگره آمریکا از حزب جمهوریخواهان) و "والتر اندرسون" هر زمان از جامعه پسامدرنیسم صحبت می‌کنند، ضمیر "ما" به کار می‌برند. آنها سعی می‌کنند این شکه اکنون بعد از بهره‌دهی نظمیش در اختیار شرکت‌های جهان‌خوار قرار گرفته تانه تها به خاطر ویژگی خاص اینترنت به پیمانگری مالی بپردازد بلکه به مرزهای جدید استعمار دست یابند. قدرت اختیاریان رسانه‌های امپریالیستی که بر تسامی رسانه‌های جهان کنترل کامل دارد بر همه آشکار است. نمونه آنرا در جنگ خلیج شاهد بودیم. وقتی آمریکا با توجه به منافع کوتاه مدت و نیز دراز مدت خود بر آن شد که صدام، نوکر سابقش را در جای انتخاب شده اش در زنجیره سیاست‌های خویش قرار دهد از طریق رسانه‌های خود در عرض مدت خود بر آن شد که صدام، نوکر سابقش را در جای انتخاب شده اش در زنجیره سیاست‌های خویش ساخت که اگر در جای خود نشانده نمی‌شد

National Science) عهده "بنیاد ملی علم" Foundation و استه به پتلکون قرار داشت. این بنیاد اکنون این وظیفه را به چندین شرکت، از جمله American Tech و Pacific و اگذار نموده است. این شرکتها که شرکت "هند شرقی" را به یاد می‌آورند، شرکت‌های اصلی پشت اینترنت هستند. زمانی که نیروی نظامی سرمایه داری به مرزهای جدیدی از پیشرفت تکنولوژیک دست می‌یابد، قدم بعدی اش آن است که قلمرو جدید بعد از استفاده‌های نظامی در اختیار تاجران و سوداگران قرار دهد که آنها با استان گشاده هر قدر که می‌توانند توده‌ها را به انتقاد کشیده و استثمار کنند. زمانی که انگلیس بعد از "جنگ پلاسی" هند را مستعمره کامل خود کرد، آنرا به دست سرمایه داران انگلیسی و بولیزه شرکت "هند شرقی" سپرد تا غارت و چپاوش کنند داستان اینترنت نیز چنین است. این شکه اکنون بعد از بهره‌دهی نظمیش در اختیار شرکت‌های جهان‌خوار قرار گرفته تانه تها به خاطر ویژگی خاص اینترنت به پیمانگری مالی بپردازد بلکه به مرزهای جدید استعمار دست یابند. قدرت اختیاریان رسانه‌های امپریالیستی که بر تسامی رسانه‌های جهان کنترل کامل دارد بر همه آشکار است. نمونه آنرا در جنگ خلیج شاهد بودیم. وقتی آمریکا با توجه به منافع کوتاه مدت و نیز دراز مدت خود بر آن شد که صدام، نوکر سابقش را در جای انتخاب شده اش در زنجیره سیاست‌های خویش ساخت که اگر در جای خود نشانده نمی‌شد

ستون انتقاد و انتقاد از خود

بِرْهَى كَرْدَيْمَ كَلْ لَالَّهِ يَجِينِم

از کلیه خوانندگان نشریه درخواست می‌کنیم انتقادات خود را نسبت به برنامه و عملکرد اتحاد فدائیان کمونیست و یا دیگر مسائل با رعایت همه‌جانبه مسائل امنیتی، اخلاق حزبی و با رعایت احترام به نظر و حیثیت افراد برای درج در صفحه برمی‌کردیم کل لله یچینیم برای ما بفرستید و سیم خود را در تصحیح اشتباهات، خطاهای و هرچه پربارتر شدن فعالیت عملی و نظری تشکیلات ادا کنید.

لحاظ تکریی باین مسائل پرداخته و پایه‌گذار جریان انتقادی کمونیستی بویژه در درون جنبش فدائی بوده اما برنامه و توافقی پیشبرد عملی همزمان آنرا آنطور که انتظار می‌رود نداشته است. باورمندی به کردار عملی و ففاداری به برنامه‌ها و آرمانهایمان حکم می‌کند که در این رابطه فکر اساسی بکنیم. گذشتہ از برنامه‌بیزی و تعیین مکانیزم‌ها، لازم است تکنکمان از پوسته گشته بدرآیم خود را توانا و در قبال جنبش مسئول بدایم، در محیط بسط دمکراتیک نظرات و فعالیت‌ها طریق درست کار سیلیسی و سبک و شیوه علمی زندگی حزبی و مبارزه سیلیسی را بیاموزیم و بیاموز اینیم.

ع. مرداد ۱۳۷۶

مسئله آموزش کودکان

بقیه از صفحه ۱۶

منبع آموزش کودک گردد و کودک تنها خود را محدود به این وسیله نماید، آمادگی فکری کودک بنحو چشمگیری کاهش می‌یابد. خلاصه مطالب گفته شده در بالا لیست که تحقیقات نشان می‌دهد که برای آموزش صحیح باید در تمامی زمینه‌ها به کودک اطلاعات داد و او را باید محدود به مسئله‌ای و یا زمینه‌ای خاص نمود. همچنین اینکه تعامل تخلیل و علم را در کودک تقویت کرد و از عده‌شدن یکی از اینها که نتیجتاً تضعیف بیگری را بر عهده خواهد داشت پرهیز کرد. همچنین بهترین نحوه آموزش به کودک از طریق بازیهای آنهاست (درمورد نقش بازی در تکامل کودک در قسمتهای بعدی بطور جداگانه بحث خواهیم نمود). ضمناً بار بیگر تاکید می‌کنم که سنین تولد تا ۸ - ۷ سالگی در شکل گرفتن آینده کودک نقش بسیار مهم و اسلسی دارد.

ادامه دارد
ف. بیانی

در رهبری را بدلیل فقدان ارتباط لازم با بدن و توده‌ها محدودنگر بارمی‌آورد و دچار ذهنی گرایی و هزاران درد بی‌درمان بیگر می‌کرد، از طرفی خود توده عضو و هودار نیز به این نوع آموزش خو می‌گرفتند. هیچگاه خود را مسئول، مبتکر، صاحب‌نظر، قادر به اداره امور و دارای حق و حقوق برای نمی‌دانستند و یا تلاش نمی‌کردند خود را مثل یک کادر به بار بیاورند.

در نهایت تعداد وسیعی هودار و عضو یک طرف شکل می‌گرفت و تعدادی نخبه هم در طرف بیگر که همچون جریانات بورژوازی و خرد بورژوازی که در جامعه ما با همین خصوصیات فراوانند هرگز حساب پس نمی‌دانند و قابل کنترل هم نبودند. بود و نبود تشکیلات به بود و نبود این تعداد محدود بستگی پیدا می‌کرد.

به هر حال اینکن که تشكیل در حال نوسازی می‌دان بازتری در مقابل این نیرو گشوده است و ضرورت تحولات بمثابه ویژگی نوسازی و بازسازی از جانب فعالیت بیشتری مطرح می‌شود و ما در حد توأمان تا حدودی آنرا در مسیر تحقق عملی هدایت می‌کنیم، آیا این خطر وجود ندارد که تشکیلات مادا در جریان نوسازی بالاجبار باتن ساییدن به پر اکماتیسم در جریان گسترش خود به سمت عناصری بروز که این عناصر بدلیل آموزش‌های غلط گشته و یا فقدان آموزش و تجربه و سالهای در رده عضو و "هودار" بودن، درباری، زدن و فشارهای مختلف هنوز قادر نیستند در زمینه فعالیت جمعی، منضبط و وحدتگرا اقرار گیرند؟

به نظر من اگر ما قادر نباشیم در تمامی عرصه‌ها یعنی در تفکر و عمل فرد خودمان و رفایمان با این آموزشها، طرز تلقی‌ها و تفکرها خداخافی کنیم و با آنها بوسیله نشریات، جزوای درونی، گذاشتن کلاسها، سینیارها... برخورد کنیم در آینده تأثیرات خود را بر فعالیت سیلیسی و زندگی حزبی ما بر جای خواهد گذاشت. بجای نوسازی کمونیستی یک ستاد رزمده، و بجای تربیت کادرها و رهبران شایسته و مصمم و مبارز به باشگاه عناصر ناهمگون تبدیل خواهیم شد. یعنی نتیجه عکس آن چیزی خواهد بود که سالهاست نبال میکنیم. بنظر می‌رسد تشکیلات ما هر چند که از

بِهِ صَنْجَهِ بِرْهَى كَرْدَيْمَ كَلْ لَالَّهِ يَجِينِم

رفقا ۱
نشریه کارکمونیستی قبلی که در آمد دارای اشکالات و نواقص بسیار بود. چه در صفحه‌بندی، چه در تایپ مطالب و چه در میزان پایا وغیره، که انتظار می‌رفت در نشریه دوم برطرف گردد. اما نشریه دوم که ظاهر ابدیل مشکلات فنی دیر در آمد با اینکه کمی بهتر از اولی بود اما باز هم نقتت لازم و در خور بعمل نیامده است. از جمله غلطهای تایپی، افتادگی مطالب، در هر فنگی نظیر شعر دینامیچی، نبود تیتر و سر تیترها، حجم زیاد اطلاعات، نامرتب بودن اسمی اتحادیه‌ها و احزابی که حمایت آنها از جنبش کارگری جلب شده بود. سایه‌های سیاهی که عمل خواندن مطالب را شوار می‌کرد، سنگینی کاغذ و موادی که امیدواریم با طرح این انتقاد در شماره بعدی برطرف گردد.

س و م از آلمان

بِهِ رِفَقَى اِتْحَادِ فَدَائِيَانِ كَمُونِيْسْتِ

در رابطه با نوسازی، مادو هدف را همزمان و بموازات هم نبال کردایم و تا حدودی هم در هر دو زمینه نسبت به کمیت و کیفیت و حجم فعالیت‌های خود موقوفیت‌هایی هم بدست آورده‌ایم. یکی تلاش جهت نوسازی و حدیث تشكیل خودمان و طیف اقلیت و کمونیستهای جنبش فدائی خارج از تعلق تشکیلاتی و گروهی‌شان، براسامن نقد گذشته و بر مبنای برنامه‌ای کمونیستی و بیگری تلاش در جهت نوسازی و وحدت جنبش کمونیستی ایران بطور کلی بوده است.

طیعتاً برای عمل کردن به هر تصوری، فکر و برنامه‌ای احتیاج به نیروی کار آمد، منضبط و آگاه به برنامه و تفکر مذبور دارد. علی‌رغم اینکه جنبش کمونیستی ایران در تمامی زمینه‌ها از سایر جنبش‌های اجتماعی در ایران پیشروتر بوده، متلاشانه نسبت به تربیت اعضاء و کادرها بویژه رفقایی که در تشكیل‌های "هوداری" مبارزه می‌کرند، بهای لازم داده نشده است. علی‌العزم کارهای توسط عده‌ای در بالا رتق و فرق میشد و پیش می‌رفت. این وضع گذشته از اینکه کادرهای محدود

٦٣

یا فکر کردید که اینجا قهوه خونه قنبر در ناف تهرونه که هرگز با
لهجه غلیظ تهرونی حرف نزنی یک دونه رشتی کله ماهی خور،
مشهدی کله خر و ... به دمچن بچسیوند بیاندازیدش بیرون؟
عوض این حرفا که ممکن است روح آن مرحوم در روستای گالیلو
را دوباره بالای سر ما به جولان در آورد، وردارید چند طنز و مطلب
بفرستید تا بینیم چند مرد هلاجید.
و گرنه جان عموم رجب نمی جنم یک وجبا!

۴۱۵۸ سے



۱۰

- آقا این نشریه چی شد؟
کنمون نشریه؟ آهانوئی واله من هم نمیدونم
چرا بایر کرده ولی میگم‌ها بجان عزیز تو از
غیبت کردن بدم میاد ولی میگن، یکمقدار
دانارشان مatar شده بود. یعنی سرما خورده
بود.
یعنی با یک سرما خورده‌گی مریض شد افتاد؟
آری بابا میگن کار این ویروس‌هاست. میدونی
فرنگستان این بدختی‌ها روه‌هم داره.
آخر پدر آمرزیزده چهار ورق روزنومه
در آوردن که این همه اهن تروپ نداره که...
یارو زشو و خودش ماهی سه تا بیرون میده.
غیبت نباشه ها ولی فکر نمیکنی بی انتظاباطی
و این حرتفها هم در کار بوده باشه.
نه آقا اینها هم‌هاش بهانه‌ان اقا بهانه، این
چیز‌ها به انقلابیا نمی‌چسبه.
منظوری نداشتمن آخر وقتی کوچک بودم نه اینکه
دوست نداشتمن دوست داشتم مشق‌ها مو بنویسم
بر عکس احسام مسئولیت هم می‌کردم. اما از
تو چه پنهانون ته دلم دوست داشتم یک بادی بی‌داد
تاتاری مatar بشه. بندۀ با وجودان راحت بگیرم
بخوابم، زبان لال گفتم شاید...

خاک بر سر ما! یعنی کلاه ملاع گزدهای در
کار است؟
نه بابا کلاه چیه صحبت از سبد است.

4

- سلام اکبر آقا،
چیه بایا جان؟

بیش که خدا مذارو خوردم ها، یه راست
رفتم توی رختخواب و در از کشیدم. همینکه
خودمو جایجا کردم یاد وطن افتادم و اینکه توی
این انتخابات این ده پانزده میلیون برادران
بسیجی، سپاه، کمیته و سایر کوفت و زهر
مارها کجا بودن؟

ای بایا تو هم چقدر ساده‌ای، جناح مقابل توی
شاه عبدالعظیم سفره حضرت عباس باز کرده
بود همه شون رفته بودن اونجا شکم چرانی و
سینه زنی
اداء؟!

نه خیر هه ... و گرنه بی عقل و حساب و
کتاب، این است اگر مثل همیشه در صحنه
بودند که اوضاع بنفع اپوزیسیون تمام نمی شد.

三

- اکبر جان به چیزی یاد رفته بود، توکه راست
و دروغ خونتو چسیوندی به ملا نصرالین
مرحوم، بگو بینم این آخوندها اگر تونستند از
۲۳۶ کاندید ۲۲۶ نفرشون رو بزارن کنار،
چطور شد که این جعفرجنی رو گذاشتند موند
و بدست خودشان پیروزی اپوزیسیون را
مسجد کرند؟ ها؟

برو از خود اپوزیسیون بپرس بابا وقت ندارم

دو کلمه با خوانندگان، او لا که از ارسال مطلب بدردبور! برای پیشنهادات و انتقاداتان هم استقبال نمی‌کنم. دو نیست از شما هم چه پنهون که گویا یک سر روزنامه رو گرفتن که آقا این اکبر سه کله کی بگیرید از ... بیاندازیدش بیرون، روزنامه انقلاب ها و این رسمهای است.

جو اب اپنے کہ آقا ما هنوز کہ حرف نزدہ بودیم، درثانی با حرف کہ
آدم انقلابی نمی شہ، شما بگذارید چند کلمہ حرف بزنم تا بمن بگید
ببینم کجا حرفاً کمتر از دیگران انقلابی تر؟

ك

مسئله آموزش کودکان

یافته و از قدرت بیشتری برخوردار می‌گردد، در حالیکه زمانی که تخلیل در کودک تمرین داده می‌شود نخاع فعالیت بیشتری می‌کند. پس تنها فعال نمودن قسمتی از مغز یعنی کاری که بسیاری عملای باتها آموزش علمی به کودک موجب آن می‌گرند مغز کودک را از تعامل مورد نظر بدور می‌کند. کودکی که تنها با فاکت یعنی مثلاً تنها با دلایل علمی آموزش و تمرین داده می‌شود از قدرت تخلیل ضعیفی برخوردار خواهد شد. ضعف تخلیل موجب می‌گردد که کودک به انسانی کاملاً منطقی اما بدون ایده‌های جدید و نوآور مبدل گردد. سپس برای آموزش کودک مهمترین مسئله تعامل بین این دو قسمت مغز است. یعنی همزمان باید هم قدرت تخلیل را در کودک تقویت کرد و هم اینکه به او اطلاعات و داشتن داد. تحقیقات زیادی در مورد کوکانی که در زمینه درسی ضعیف هستند انجام گرفته است. از جمله کسانی که در این زمینه تحقیقات شایسته‌ای انجام داده‌اند Sten Larsen تحقیقات Larsen نشان می‌دهد که ریشه مشکلات کوکان مدرسه‌ای نیز در زمانهای قبل از دوران مدرسه یعنی سنین پاپین‌تر از هفت سالگی قرار دارد. Larsen معتقد است که بزرگترها (اصولاً والدین) نقش مهمی در تکامل و یا باز نگهداشت تکامل در کوکان دارند.

هرگاه بزرگترها کارهای کوکان را برایشان ویا بجاشان انجام می‌دهند یک قدم کودک را از پیشرفت باز نگه می‌دارند و منظور از از کارهای کوکان کارهای روزمره آنان از قبیل مثلاً بستن بند کفش، ریختن شیر در لیوان و امثال‌هم است. کودک کنجدکلو است و تمام مدت در طی اکتشاف. اکتشاف اینکه چیزها چگونه کار می‌کنند چگونه بوجود می‌آیند. هر زمان کوتاهی در طول روز در مغز کودک تحولات عظیمی انجام می‌گیرد. یعنوان بزرگتر ما طبیعتاً باید از کوکان‌مان موازنیت کنیم، اما این موازنیت نباید باعث گردد که مانع پیشرفت کوکان و یادگیری آنها بشویم. کم نیستند والدینی که از ترس اینکه بلاعی سر کوکانشان بیاید کودک را از بسیاری کارهای معمول باز می‌دارند که نتیجتاً مانعی در راه یادگیری کودک خواهد بود. Larsen تاکید می‌کند که نباید کوکان را تها محدود به اطلاعاتی

در سنین قبل از مدرسه اندازه مغز کوکن دو برابر اندازه ساقی خواهد شد، بدین معنی که وزن مغز دو برابر می‌گردد. یعنی اینکه ۷۰ تا ۸۰ درصد از سیستم عصبی مغز تا سنین ۷-۸ سالگی تکامل می‌باشد. در این مدت است که انسان به کوکد فاکت یعنی دلیل، اسانی و منطق می‌آموزد. و کوک همزمان هم فاکت می‌آموزد و هم آمادگی می‌باشد. بهترین راه آموزش فاکت به کوکد از طریق بازیهای کوک است. بازی و تخلیل دو جزء جاذشانی هستند. همچنین تخلیل و خلاقیت یعنی کشف کردن و بوجود آوردن نیز دو جزء تکنیک ناپایر هستند. در بازی کوکان است که احساسات، اطلاعات و امکانات مختلف تبلور می‌باشد. کوک در طی بازی با قدرت خارق العاده تخلیل تمامی اطلاعات و علم خود را بکار می‌گیرد و تمرین می‌دهد. بسیاری از محققان و از جمله Bergstrom معتقد هستند که نباید کوک و محدود آموزشی او را محدود کرد. بهتر است که کوک در بسیاری موارد باهش گردد. مختصمن نمودن کوک یعنی اینکه تنها کوک را با یک سری محدود اطلاعات در مورد خاص محدود نمودن بطور مثال در زمینه موسيقی و يا ورزش و يا علم محدود فکری کوک را کوچک و نتیجتاً قدرت فکری او را محدود خواهد نمود. کوک را باید در تمامی موارد آموزش داد برای اینکه قدرت فکری او را تکامل داد و به او یاد داد که مسائل را هر کدام برای خود و همچنین در ارتباط با یادگیری ببیند. Bergstrom مینویسد که کوک را باید بطور صحیح و از همان سنین ابتدایی آموزش داد، اما تاکید می‌کند که نباید در آموزش دادن مصر بود که اینگونه رفتار باعث فرار کوک از جذب اطلاعات می‌شود. دو قسمت عمده مغز در پروسه یادگیری Spinal Cord یا به اصطلاح مغز تیره یا نخاع و Cerebrum یعنی قسمت مغز پیشین است که مشتمل بر نیمکرهای مغزی و مشتقات آن است. نخاع و ظیفه فعلی کردن مغز را بعهده دارد بطوريکه کنجدکلوی را در کوک ایجاد می‌کند و باعث می‌گردد که ایده‌های جدید و یا باصطلاح شناسی و غیره به مغز برسد. در حالیکه قسمت مغز پیشین و ظیفه جمع کردن اطلاعات و داشتن و همچنین مرتب نمودن این اطلاعات را بر عهده دارد. تعامل بین نخاع و مغز پیشین از اهمیت بسیار خاصی برخوردار است، زمانی که کوک تنها فاکت یعنی اطلاعات می‌گیرد قسمت مغز پیشین تکامل

در قسمت اول این مقاله اشاره نمودیم که هر وقت سیگنالی از شبکه عصبی مغز عبور کند سیستم عصبی مغز تکامل می‌باشد و باعث می‌شود راهی ایجاد گردد که این نوع سیگنالها در دفعات بعدی به آسانی عبور کنند و به سلولهای مغز برسند. هر چه اعمالی که کوک انجام می‌دهد پیچیدتر باشد، سیستم عصبی مغز نیز پیچیدتر می‌گردد و سلولهای بیشتری فعال می‌گرند. همچنین خاطرنشان کریم که اطلاعاتی که به مغز می‌رسند در آنجا نخیره می‌گرند و هیچ زمان از بین نمی‌روند.

Matti Bergstrom محقق مغز معتقد است که وقتی مغز عملی را در زمان کوکی می‌آموزد، اطلاعاتی در مغز نخیره می‌گردد و این اطلاعات هیچگاه از بین نمی‌روند و به همین ترتیب بسیار مهم است که کوک بسیاری چیزهای متفاوت را بیاموزد، زیرا در صورتیکه ضروری گردد کوک در آینده می‌تواند این اطلاعات را بکار گیرد. محققان مغز معتقد هستند که مهمترین بخش در زندگی تکاملی یک انسان را بدو تولد تا سنین هفت و هشت سالگی تشکیل میدهد. بسیاری از رفتارهایی را که کوک می‌آموزد بی در پی و بصورت سری انجام می‌گیرد. نوزاد می‌آموزد که بخزد، چهار نست و پا را ببرود و راه رفتن بیاموزد. نوزاد قادر به دیدن است قبل از اینکه قادر به حرف زدن باشد و غیره. اگر کوکی یکی از این قدمهای مهم را در پروسه رشد از نست بددهد نتیجتاً مغز قسمتی از فعالیت خود را از نست خواهد داد، که در مواردی کوک می‌تواند با مشکلاتی در زندگی اینده مواجه گردد. هیچ کوکی باهش بدنی نمی‌آید، اما هر کوکی دارای استعدادهای گوناگون است که تهرا زمانی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرند که امکاناتش موجود باشد. فعالیتهای درونی و بیرونی نزد کوک همزمان انجام می‌گیرد. ما قادر نیستیم تکامل مغز را بینیم، اما می‌توانیم رفتارهایی را مشاهده کنیم که نتیجه تکامل مغز کوک نخیره گردد همه راه تجربه‌هایی که بر مغز کوک نخیره گردد بدهد با اطلاعات جدیدی که مغز دریافت می‌کند امکاناتی را می‌سازند که باعث می‌شود بطور مثال کوک را می‌سازند که باعث می‌شود ایده‌هایی را باعث می‌شوند و همزمان نیز غریزهای و علم او نیز افزایش می‌باشد. هر چه کوک فعالیتهای بیشتری کند طبیعتاً فرست بیشتری نیز برای فکر کردن، حرف زدن و گوش دادن خواهد داشت.

معرفی کتاب

در ژانویه ۱۹۹۷ سه جلد کتاب مرجع به نام "منابع و ارتباطات آلمان - بین المللی" (Handbuch fur deutsch -- internationale Beziehung) به چاپ رسیده است. این کتاب مرجع که بزبان آلمانی انتشار یافته شامل ۲۰۰۰ صفحه و حاوی بیش از ۲۰۰۰ آدرس ارتباط و تماس در مورد ۲۰ کشور و منطقه مختلف جهان می باشد. این مجموعه مهم از یک طرف آدرسها ارتباطی مراجع و سازمانهای آلمانی در خارج از آلمان و از سوی دیگر، آدرس اکثر سفارتخانه‌ها، نیروها، شرکتها و مراجع سیاسی - فرهنگی کشورهای مختلف در آلمان، و در خارج، انجمنهایی که در رابطه با کار خارجیها فعال هستند را در خود جمع آوری کرده است. موضوعات این سه جلد که به بخش‌های اروپا، آمریکا و آسیا و اقیانوسیه تقسیم بندی شده اشنایی به آدرسها جامعی را در رابطه با فعالیتهای سازمانهای و موسسات، مراجع حقوق بشری و سیاسی، اجتماعی، علمی و... بسط خواهد کرد. میدهد. ناگفته نماند که در کتاب هزاران آدرس مکاتباتی مهم و بالزنشی که در این کتاب مرجع وجود دارد، آدرس تعداد معنودی از ارگانهای ارتقا و بیصلاحیت نیز وجود دارد که خود را بعنوان سازمانهای دفاع از حقوق بشر و غیره نام نهاده‌اند. با توجه به اینکه قیمت این سه جلد کتاب مرجع جمیع ۲۹۸ مارک می باشد باظلاع می‌رسانیم که کلیه افرادی که تمایل به دسترسی به این کتاب را دارند، میتوانند به کتابخانه‌های شهر محل سکونت خود مراجعه کنند که بر احتی در اختیار آنها قرار خواهد گرفت.

خسرو

آدرس انتشار ای: :

K. G. Saur verlag
Ortler str. 8

81373 München - Germany
Tel - 089 - 769020
Fax - 089 - 76902250
e.mail - 100730.13440.compuserve.com

گشوهش شکاف طبقاتی

باقیه از صفحه ۵

جنبش چپ و کمونیستهای ایران باید به آن توجه هرچه بیشتری مبذول کنند. در عین حال می‌توان با تکیه بر خواستهای مشخص طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه که در طی اجرای برنامه تعديل اقتصادی و در صحنه مبارزه توده‌ای تنظیم شده است، به افسایی ماهیت خاتمه و دار و دسته و پرداخت. اگر قرار است در ایران حقوق بشر رعایت شود، باید حقوق مشخص طبقه کارگر که در مشور جهانی حقوق بشر مطرح شده است، هم رعایت شوند. بگذار در صحنه این مبارزه روشن شود که کدام نیروی سیاسی سازماندهی مبارزه مستقل طبقه کارگر را با نباله‌بروی از خواستهای عموم‌خلقی اشتباہ گرفته است. دوران جنگزگری بر سر مفاهیم مجرد سرآمد است. بگذار در صحنه مبارزه روشن شود که کدام نیرو خواهان سازماندهی طبقه کارگر است و کدام نیرو حتی از تشخیص خواستهای مشخص و کوتاه‌مدت طبقه کارگر هم عاجز است. خواستها و حقوقی که حتی در چارچوب نظام سرمایه‌داری هم قابل تحقق نستیابی است و بورژوازی جهانی دهها سال قبل ناچار به پذیرش آنها به عنوان بخشی از ایندیابی ترین حقوق بشر شده است.

شروعین

شهریور ۱۳۷۶

نامه‌های رسانیده



- + رفقا، ح و ن از باکو. گزارشات و نامه های شمارا دریافت کردیم. نظرات شما پیرامون مقاله "سبک کار و مسائل اساسنامه‌ای" را در اختیار نویسنده مقاله قرار دادیم.
- + کانون نویسنده‌گان ایران در تبعید نامه شمارا دریافت کردیم و در راه پیشبرد اهداف کانون برایتان آرزوی پیروزی می‌کنیم.
- + رفیق شن - استرالیا، نامه محبت آمیز شمارا دریافت کردیم، اولاً در مورد تاخیر نشریات خواهیم کوشید تا همزمان با کم کردن هزینه سراسام آور پست، با سازماندهی نوین و ایجاد نظم و مکانیزم‌های لازم کمیوده را پرطرف کنیم. بدیهی است که ابتکارات و پیشنهادات رفقة در بهبود توزیع نشریات بما یاری خواهد رساند و اما در مورد سوالات شما پیرامون گذشته و مسائل مختلف دیگر، این بحث‌ها در نشریات به پیش و کارکنویستی نبال خواهد شد و مسائلی که در چارچوب مباحث جاری نمی‌گذند بطور مشخص در نشریه توضیح داده خواهد شد.

حساسیت شما نسبت به مسائل قابل تغییر است و از همکاری شما سپاهار مشکریم.

- + رفیق شن - از استرالیا، پیام محبت آمیز شمارا دریافت کردیم، در راه رفع مشکلات توزیع و نیز رساندن مطالب و جزوایت بست شما خواهیم کوشید. از همکاری شما سپاهاریم.

- + آمریکا - یو - سی - ال - ای، نامه شمارا دریافت کردیم، از این به بعد نشریات به آدرس شما ارسال خواهد شد. در صورت تاخیر بخش توزیع نشریه را در جریان قرار دهید.

- + تهران - رفیق د - نامه شمارا دریافت کردیم در صدد ایجاد کامل مطمئنی برای تماش هستیم. برایمان باز هم گزارش و نامه بفرستید.

- + ترکیه رفیق ف، نامه و درخواست ارسالی شما دریافت شد در مورد درخواستتان اقدامات لازم صورت گرفته است و از این پس نشریات به آدرس شما ارسال خواهد شد.

- + دوسلدورف. ب. نامه تان دریافت شد برای معرفی آثارتان نیاز به نسخه‌هایی از آنها داریم. برایتان آرزوی موفقیت می‌نماییم.

- + شورای ایرانیان دمکرات و متفرقی شهر ماینر، رفاقت عزیز از اینکه بموقع نتوانستیم به نامه شما پاسخ دهیم، انتقاد بسر ما وارد است همینطور اعلام می‌کنیم که این تاخیر صرفاً با خاطر مشکلات فنی بوده و امیدواریم حمل بر بسی توجهی از سوی مانگردد، در تداوم فعالیت‌ها، نست شمارا ابگرمی می‌فشاریم و امیدواریم اینگونه پیش آمددها تأثیر بازدارنده‌ای در تداوم فعالیت‌های شما نداشته باشد، ما در حد توان خود از هیچگونه همکاری با شما دریغ نخواهیم ورزید.

- + دفتر مرکزی جهان - بادن، نامه اعتراضی شما با امضای دبیر اول بدمستان رسید. از همکاری شما در رابطه با جنبش کارگری ایران سپاهاریم.
- + رفقا الف و ج از فرانسه، نامه شما رسید. با امید به همکاریهای بیشتر.

خلاصه برخی از "اطلاعهای منتشر" از سوی اتحاد فدائیان کمونیست

زندهای جمهوری اسلامی انجام می‌گرفت، در اطلاعه‌ای که از سوی شورای مرکزی صادر شد، محکوم گشت.

نامه سوگشاده به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل

در تاریخ ۲۸ جولای شورای مرکزی طی ارسال نامه‌ای به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل خواستار رسیدگی این نهاد به وضع زندانیان اعتراضی در زندانیان ایران شد. در این نامه ضمن بازگویی اوضاع و خامتوبار زندانیان و تشید جو خفغان عمومی در جامعه، به سازمان ملل و سایر نهادهای بشردوست در مورد خطر از سرگیری اعدامهای وسیع در زندانیان ایران هشدار داده شد.

از مبارزه علیه بیکاری حمایت کیم

در تاریخ ۱۲ آگوست اتحاد فدائیان کمونیست در سوئی اطلاعه‌ای در حمایت از اعتضاب غذای یک زن ایرانی در گوتبرگ انتشار داد. طبیه اختران در اعتراض به بیکاری و تبعیض در بازار کار نسبت به اعتضاب غذا زده بود. در این اطلاعه آمده است:

"ما ضمن حمایت از اقدام اعتراضی خانم طبیه اختران و محکوم نمودن بی اعتباً های مقامات سوئی مذکور می‌شویم که بموازات جهانی شدن سرمایه، گسترش بیکاری این در علاج ناپنیر نظام سرمایه داری نیز هر روز ابعاد وسیعی بخود می‌گیرد و انسانهای بیشمایری را بکام خود فرو می‌بلعد. برای مبارزه با بیکاری باید مشکل شد و در کنار اعتراضات و اقدامات فردی، بطور جمیعی و با کسب حمایت شاغلین به چاره جوئی برداخت."



برگزاری نشست مشترک به مناسبت ۱۰ شهریور ماه، سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷، در شهر لوند (جنوب سوئی) که از سوی حزب کمونیست ایران و اتحاد چپ کارگری - واحد اسکونه برگزار شد. در این شب طیفور بظاهري ضمن بحث درباره وضعیت زندانیان سیاسی در ایران به بازگویی خاطرات رفقاء زندانی زن پرداخت.

برگزاری آگسیون اعتراضی در حمایت از اعتضاب غذای زندانیان سیاسی در زندانیان جمهوری اسلامی در شهر فرانکفورت با تفاق سایر نیروهای چپ و انقلابی.

پیرامون تخریب زندان اوین و انتقال زندانیان

در تاریخ سوم شهریور ماه شورای مرکزی طی یک اطلاعه خبری از انتقال زندانیان سیاسی به زندانهای دورافتاده و ناشناخته خبر داد. در این اطلاعه آمده است که با این ترفند رژیم "قصد دارد تا معروفترین و شناخته شده‌ترین مظاهر جهل و جنایت خود و اسلاف خویش را از مقابل چشم مردم و مهمانان خارجی دور سازد".

در این اطلاعه همچنین هشدار داده شده است که "در جریان این نقل و انتقالات احتمال اینکه رژیم فرصت را برای سر به نیست کردن تعداد بیکری از زندانیان سیاسی مقتض بشمارد، وجود دارد."

حمایت از کارگران ماشین‌سازی اراک

در تاریخ نهم شهریور ماه شورای مرکزی پیرامون اعتضاب کارگران ماشین‌سازی اراک اطلاعه‌ای منتشر کرد که در آن سرکوبگریهای جمهوری اسلامی محکوم و خواسته‌ای کارگران مورد حمایت و پشتیبانی قرار گرفت.

پیام به گوهر آیی انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران (پاریس) و کانون‌های زندانیان سیاسی در تبعید در سوئی و آلمان

در تاریخ چهاردهم شهریور ماه شورای مرکزی پیامی به مناسب سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی برای این شکلها فرستاد که در آن ضمن گرامیداشت خاطره قربانیان کشتار سال ۱۳۶۷ اشاره‌ای نیز به شرایط کنونی زندانیان ایران و شرایط عمومی جامعه پس از انتخابات شده است.

در پیشی از این اطلاعه آمده است:

"اگون که مبارزات زحمتکشان، کارگران، دانشجویان و روشنفکران، عرصه را بر رژیمی که کوس رسوایش در سراسر جهان زده شد، تکثیر کرده، درست زمانیکه بعد از مدت‌ها تلاش و تجربه اتحادهای اصولی در میان اپوزیسیون در حال گرفتن است، می‌خواهد شعبده انتخابات ریاست جمهوری را بر سرما و مردم بپاخسته آوار گند..."

اما هیهات اگر صلح و مصالحه‌ای در کار باشد که جز مشارکت در فریب تودهای مردم، ثبت موقعت رژیم و تداوم فقر و فلاکت و سرکوب، شکنجه و اعدام نتیجه‌ای در برخواهد داشت،

چگونه پای گذاری بصرف دعوت شیخ

به مملکی که ندارد ملام آزادی

ما در سالگرد گرامیداشت یاد و خاطره هزاران زندانی سیاسی که در سال ۶۷ در زندانیان جمهوری اسلامی قتل عام شدند و با گرامیداشت همه جانباختگان راه آزادی و عدالت اجتماعی، پیمان می‌بنیم که در راه آرمان و الای آنها برای پیروزی آزادی بر اهربین ارتیاع، لحظه‌ای از پای نشینیم."

پیرامون اعدام دکتر اسدی

در پنجمین روز ریاست جمهوری خاتمی، دکتر اسدی حقوقدان و وکیل سابق دادگستری به جو خود تیرباران سپرده شد. اعدام وی که پس از سه‌ماں حبس در

اعضای

توضیح: در شماره‌های قبلی کار کمونیستی، غلط‌های تایپی و بهم خورده‌گاهی زیادی در ساختمان مقالات و نوشته‌ها بوجود آمده بود و بدليل اختلال در کار کامپیوتر هنگام صفحه‌بندی مطالب، اغلب نسخه‌های تصحیح نشده برخی از مقالات چاپ شده بودند که بدینوسیله از خوانتگان و نویسندهان مطالب پوزش می‌خواهیم.

مقاله ضرورت ارگان اطلاعاتی - صفحه ۱۵ ستون سطر "... شهریاری همچنین موجب لو رفتن گروه رفقا جزئی - ظرفی گردید. بیهی است رفقای سازمان ... جا افتاده بود که به لین و سیله تصحیح می‌شود.

در مقاله **نقایق و فواید جهانی شدن سرمایه اشتباہات و افتادگیهای زیر پیغام** آمده بود

ستون ۲ سطر ۱۶: با این وجود رقبتهاي ...

سطر ۲۱ - تکار شرکتها و تراستهای زیر پوشش متropolیها گاه رقابت در اردوی یک خانواده از شرکتها را به نفع دیگری سوق می‌دهند.

ستون ۲ - سطر ۲۸: که به داشتن - سطر ۲۱ - بجای فردی، خودی صحیح است. صفحه ۱۸ - ستون ۲ - سطر ۷: بجای تناقضات دیگری، "عبارت از این است که منطقه‌ای شدن سرمایه" درست است.

آخر مقاله این پاراگراف بطور کلی جا افتاده بود: پیشنهاد ما ایجاد شورایی است موقت، مشکل از نمایندگان کارگران کشورهای مختلف که می‌باید با سازماندهی کمیته اجرایی وقت در یک کشور و انتشار نشریه‌ای اطلاعاتی، پیوند تشكیل‌های موجود در سراسر جهان را تأمین کنند، اخبار و اطلاعات دقیق و کامل جنبش‌های کارگری مختلف را با سرعت به همیگر برسانند.

پشتیبانی‌های عملی بموقعی راسازماندهی کند و ...

برای رسیدن به یک تشكیل قوی و کارآمد این اولین قدمی است که ما می‌توانیم به پشتونه هم برداریم. برای اینکه در مبارزه اسیر و تها نمانیم این میراثین وظیفه ما است.

ما از بورژوازی که در سطح جهانی مشکل شده و با تعصی و صفت‌پذیر از منافع همطبقة‌های خود در سراسر جهان دفاع می‌کند، کمتر نیستیم.

اعضای تحریریه:

فیلسوفی	برآزاد
خسرو	تمدن
نیکمنش	شاهومیان

یدی

- مقالات رسیده حتی المقدور باید تلیپ شده باشند.
- در صورت استفاده از کامپیوتر بیست آنرا برای ما بفرستید.
- مقالات رسیده بسیار داده نمی‌شوند.
- در صورت چاپ نشدن مقالات علت آن کتبای برای نویسنده ارسال خواهد شد.

شماره فاکس جدید ما

۳۱ ۷۷۹۲۵۷۱ (۴۶)+

می باشد

اطلاعیه مشترک در دفاع از خواسته‌های زندانیان سیاسی اعتصابی در زندانهای جمهوری اسلامی از سوی حزب کار، اتحاد فدائیان کمونیست، چریکهای قدایی خلق ایران، سازمان کارگران مبارز و هواداران حزب کمونیست در لین‌شوپینگ.

پام مشترک حزب رنجبران، شورای کار، پویندگان راه اتحاد برای آزادی و اتحاد فدائیان کمونیست بمناسبت ۱۰ شهریور سال‌گرد قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷.

آکسیون مشترک در دفاع از خواسته‌های زندانیان سیاسی اعتصابی در زندانهای جمهوری اسلامی در شهر مالمو از سوی حزب کمونیست ایران و اتحاد چپ کارگری.

آکسیون مشترک در هلند در دفاع از خواسته‌های زندانیان سیاسی اعتصابی در زندانهای جمهوری اسلامی.

اینترنت و نظام نابرایر جهانی

بعده از صفحه ۱۳

نمی‌توانند حتی قره‌باغی فرهنگ حاکم بودن را نیز انتخاب نمایند. قره‌باغی شدن‌شان درون نظام اقتصادی - سیاسی جهانی نهفته است. کسان دیگری نیز هستند که جزو "ما" نیستند: پناهندگان و آوارگانی که در کشورهای غربی پسر می‌برند. اکثر آنان حق انتخاب به کشورهای خود را ندانند و می‌برند. شکنجه، زدن و حتی مرگ رویرو می‌شوند. آنها تحملی ترین قشر جوامع امپریالیستی را تشکیل می‌دهند. به این عده باید تعداد فزینده فقر او تهیستان کشورهای غربی را نیز اضافه نمود. بی خانمانهای آمریکا حق انتخاب سر پناه ندانند، چه رسد به اینکه بخواهند از حق اینکه چه باشند و چگونه زندگی کنند استفاده کنند. بدین ترتیب در عصر تکنولوژی اطلاعاتی، این "ما" می‌توانند حتی بسیار بسیار کمتر از یک پنجم جمعیت جهان باشد که عمدتاً در کشورهای غربی و رایین بسر می‌برند. نکته دیگری که مرتب این سو و آن سو شنیده می‌شود، این است که ما اکنون در "دکه‌جهانی" بسر می‌بریم و می‌رویم که "یک دیدگاه جهانی" و "فرهنگ جهانی" داشته باشیم و اینکه عصر تکنولوژی اطلاعاتی، نیای را بهم نزدیک می‌کند" و بزودی "یک جامعه جهانی خواهیم داشت". زمانی که مدعيان این نظرات از فرهنگ جهانی صحبت می‌کنند، منظورشان جهانگیر شدن فرهنگ غربی است. در ادامه این نوشته سعی خواهیم کرد نشان دهم که این ادعاهای تا آنجا که به شرایط زندگی اقتصادی و اجتماعی بر می‌گردد کاملاً بایه بوده و بالعکس فاصله کشورهای امپریالیستی و کشورهای جهان سوم بیش از همیشه بیشتر می‌شود.

ادامه دارد

الف دانشور

این مقاله اولین بار در بهمن ماه ۱۳۷۵ در نشریه شهر وند منتشره در کانادا به چاپ رسید. با تأیید نویسنده، این مقاله را در چند بخش در نشریه کار کمونیستی نیز به چاپ می‌رسانیم.

دوفایلها میتوانند با ادرس‌ها و شماره فاکس زیر
نماین یکپریه:

Kar-Co
Box 10063
S-400 70 Göteborg / Sweden
+ (۴۶) ۳۱ ۷۷۹۲۵۷۱

شماره فاکس نماین داد
آدرس پست الکترونیکی
webmaster@fedayi.se

آدرس خود را در اینترنت
www.fedayi.se

ای جلد نگت باد!

شهریور ماه است، ده سال قبل در پی فرمان خمینی، جلادان جمهوری اسلامی از نهم شهریور ماه قتل عام زندانیان سیاسی را در ابعاد وسیع آغاز کردند و طی چند روز هزاران نفر از زندانیان سیاسی را که قبل محاکمه شده و دوران محکومیت خود را میگذراند یا در انتظار محکمه بودند و یا اساساً دوران محکومیت شان بیان رسیده بود و میباشد آزاد میشند را از دم تیغ گذراند و در خفا گروه گروه آنها را در گورهای مستجمعی منفون کردند. غافل از اینکه بالآخره جنایتی به این گستردنگی و سبعتی در پرده ابهام باقی نخواهد ماند و دیر یا زود پرده از روی آن برداشته خواهد شد و عاملین این جنایت به سزا اعمالشان خواهند رسید.

در سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی یاد و خاطره همه جانباختگان راه آزادی و سویاً لیسم را گرامی بداریم و پرچم مبارزه ای را که آنها با افتخار در راهش جان باختند همیشه و همواره بر افراد نگهداریم.

بگذار بذر "تیم" چون جنگلی بروید درآفتاب خون

دهم شهریور ماه، سالروز قتل عام زندانیان سیاسی در زندانهای جمهوری اسلامی در سال ۱۳۶۷ را در هر کجا که هستیم گرامی بداریم و راه آنها را تا پیروزی نهانی پی گیریم.

تیم و هر داد صدھا و فیق فداشی در راه آرمان آزادی و سویاً لیسم جان باخته اند.

از جمله در تیر ۸ ماه ۱۳۵۵ در یک مقابله تاباربر با ساواک شاه تعدادی از رهبران و کادرهای سازمان ضمن مقاومت تا آخرین نفس همگی قهرمانانه جان باختند، اما بذری که کاشتند هرگز "بخار نمیماند" و نماند. ما در سالگرد شهادت این رفقا و در آستانه سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی بار دیگر همه کمونیستهای جنبش فدائی را در راه پیگیری اهداف سویاً لیستی و آرمانهای انساندوستانه و آزادیخواهانه این رفقاء به اتحاد و افق و گسترش مبارزه با جمهوری اسلامی فرامی خواهیم.

Kar-Co
No: 4
September 1997

معاون دبیر هلموت آلت هوف

دبیر - هورست هایدن ولف

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، زند باد سویاً لیسم